

حیات‌طیب

خلوص‌انسی

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اهمیت، آداب، و آثار نماز

عنوان کتاب: خلوت انس

پدیدآور[ان]: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران

ب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، انتشارات انقلاب اسلامی

جلد[ها]: 1

نام و نام خانوادگی کاربر: سیده فاطمه دستغیب

منبع: noorlib.ir کتابخانه دیجیتال نور

تاریخ دانلود: 1402/9/2

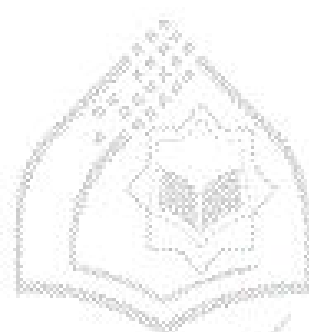
تعداد صفحات دانلود شده: 107

فصل اول

خلوت انس

(مفہوم، حقیقت و جایگاہ نماز)

پیشکش کنندہ: مولانا محمد رفیع الرحمن صاحب مدظلہ العالی
مدرسہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۱- مفهوم و حقیقت نماز

مفهوم اصلی نماز

مفهوم اصلی نماز عبارت است از خضوع انسان در مقابل پروردگار و عمل انسان به فرمان پروردگار؛ این آن عنصر اصلی نماز است که در حاشیه‌اش هم چیزهای دیگری وجود دارد.^۱ حقیقت آن است که هرگاه در میان مردمی، نماز - با همه‌ی شرایطش - رواج داشته باشد همین یک واجب الهی آنان را تدریجاً به همه‌ی نیک‌بختی‌ها میکشاند و خیمه‌ی دین را در زندگی آنان برپا می‌سازد.^۲

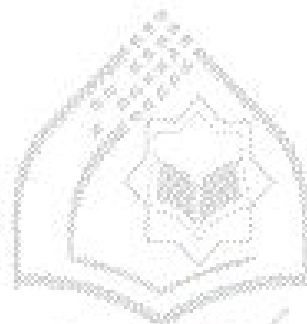
بزرگ‌ترین نعمت الهی

یکی از بزرگ‌ترین نعمتهای خدا نماز است. نماز به ما این فرصت را می‌دهد که هر روزی چند بار ناگزیر با خدای خودمان حرف بزنیم، با خدای متعال تخاطب کنیم، از او کمک بخواهیم، به او عرض نیاز کنیم، سرسپردگی خودمان به ساحت ربوبی را با این تضرع و با این نیاز تقویت کنیم. بزرگان به نماز خیلی اهمیت می‌دادند. نماز در اختیار همه است.

۱. در جلسه‌ی هشتم تفسیر سوره‌ی بقره ۱۳۷۰/۷/۲۴

۲. پیام به مناسبت گردهمایی سالیانه‌ی نماز ۱۳۷۴/۶/۱۴

غالباً قدر نماز و اہمیت نماز را نمیدانیم. فقط این نیست که باید یک اسقاط تکلیفی کرد؛ نه، یک فرصت بزرگی است که باید از آن استفاده کرد. فرمود نماز مثل چشمه‌ی آبی است در خانه‌ی شما، که روزی پنج بار شما در این چشمه‌ی آب شستشو میکنید.^۱ این شستشو میتواند برای دلہای جوان آثار ماندگاری داشته باشد.^۲ این، آن بار عام است؛ دست همه هست؛ در اختیار همه هست. مجبور هم هستیم نماز را بخوانیم؛ نماز سرمایہ‌ی بسیار خوبی است. واقعاً باید متوجہ باشیم و از خدای متعال، مکرر تشکر کنیم کہ این نماز را برای ما قرار داد؛ اگر این نماز را قرار نمیداد و واجب نمیکرد، چه میشد؟ دور می‌افتادیم؛ بی‌نمازها دور می‌افتند؛ بسیار دور می‌افتند؛ بسیار پرت می‌افتند؛ بسیار غافل میشوند و دلہایشان بسیار سخت میشود.^۳



سرمایہ‌ی عظیم نماز

اگر سرمایہ‌هایی را کہ در اختیار داریم، درست بشناسیم و بہ کار ببریم، بی‌نیازترین خلق خدا، ملت ما و مسلمانها خواهند بود. همین نماز، یکی از سرمایہ‌ها است. نماز را میخوانیم، با غفلت عبور میکنیم؛ مثل این است کہ یک انسان مبتلا بہ فقر غذایی، کمبود ویتامین، کمبود پروتئین، محتاج مواد لازم، بہ یک جعبہ‌ای دسترسی پیدا کند کہ پراز ہمہ‌ی این مواد است کہ او احتیاج دارد؛ بعد آن را بو کند، کنار بگذارد! خب، باز کن، بخور، استفاده کن، نیرو را بفرست بہ بدن خودت؛ همین طور بو میکنی،

۱. «قال رسول الله (ص): لو كان على باب دار أحدكم نهرٌ فاغتسل في كل يوم منه خمس مرات أ كان يبقی في جسده من الدرن شيءٌ قلنا لا قال فإن مثل الصلاة كمثل نهر الجاری كلما صلی صلاة كفرت ما بينهما من الذنوب» (تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۴، ص ۱۲)

۲. در دیدار طلاب خارجی حوزه‌ی علمیه‌ی قم ۱۳۸۹/۸/۳

۳. در جمع مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۱/۵/۱۹

میگذاری کنار؟! حالا آنهایی که اصلاً اعتنا نمیکنند، هیچ. ما نماز را همین طور بو میکنیم، میگذاریم کنار! کلمه کلمه‌ی نماز درس است؛ کلمه کلمه‌ی نماز حال است؛ اگر قدرش را بدانیم.^۱

فطرت انسان؛ نیازمند نیایش با خدا

انسان، به سرشت و طبیعت خود، مشتاق و نیازمند نیایش و خشوع در برابر خداوند است که آفریننده‌ی همه‌ی نیکی‌ها و زیبایی‌ها است؛ و نماز، برآورنده‌ی این نیاز است. ادیان الهی با تشریع نماز، کام‌تشنه‌ی فطرت انسان را سیراب میکنند و او را از سرگشتگی و گمراهی در فرونشاندن این عطش طبیعی نجات میبخشند. تکرار نماز در هر روز و شب، فرصت و نعمتی است که آدمی را از غرقه شدن در غفلت میرهاند؛ به او مجال حضور دل‌آگاهانه در برابر خدا میبخشد؛ جان او را صیقل میدهد و گوهر باطن او را درخشان میسازد.^۲

۲- جایگاه نماز

اولین واجب

اولین واجبی که بر پیغمبر واجب میشود، نماز است؛ اول تبلیغی که برای پیغمبر خدای متعال معین میکند، «وَأْمُرْهُمْ بِالصَّلَاةِ»^۳ است؛ توصیفی که خدای متعال در درجه‌ی اول برای جامعه‌ی موحد بیان میکند، «الَّذِينَ ان مَكْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»^۴ است. این، اهمیت نماز است.^۵

۱. در دیدار جمعی از مذاحان سراسر کشور ۱۳۹۱/۲/۲۳

۲. پیام به بیستمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۹۰/۷/۱۹

۳. سوره‌ی طه، بخشی از آیه‌ی ۱۳۲، ترجمه: «و کسان خود را به نماز فرمان ده.»

۴. سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۱، ترجمه: «همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا میدارند.»

۵. در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز ۱۳۸۵/۰۶/۲۷

معبر اصلی سلوک انسان برای دستیابی به غایت حیات

نماز معبر اصلی برای سلوک انسان در راهی است که ادیان الهی در برابر آدمی نهاده‌اند تا بتواند از آن به هدف و غایت اصلی حیات یعنی رستگاری و خوشبختی دنیا و آخرت دست یابد. نماز اولین قدم سلوک الی الله است؛ ولی ظرفیت این عامل الهی به اندازه‌ای است که در اوج کمال بشری نیز می‌تواند بال پرواز انسان عرشی شود، تا آنجا که برترین انسان تاریخ یعنی پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «نماز نور چشم من است.» و در هنگام فرارسیدن وقت نماز از مؤذن خود می‌خواهد که با سردادن بانگ اذان، جان او را کامیاب و سرشار از راحت و امنیت سازد.^۱ شاید بتوان گفت که هیچ عامل عبادی دیگری این‌گونه در همه‌ی مراحل تکامل معنوی انسان برای او کارگشا و نیروبخش و پیش‌برنده نیست.^۲

مهم‌ترین ابزار تذکّر دائمی

اولین درس ما توجّه به خدا است؛ تذکّر حضور در محضر پروردگار است... ابزارهای تذکّر را خدای متعال برای ما فراهم کرده، که مهم‌ترین ابزار تذکّر ما همین نماز است. این نمازهای پنج‌گانه‌ای که خدا بر ما واجب کرده، یکی از بزرگ‌ترین نعمتهای خدا در حقّ ما است. اگر نماز نبود، ما غرق غفلت میشدیم. این نماز که به عنوان یک فریضه بر ما واجب شده، ما را از وادی غفلت بیرون میکشاند.^۳ ما هیچ‌کدام نباید به دین‌داری و استقامت خودمان در این راه مغرور شویم و اطمینان پیدا کنیم و بگوییم: «من دیگر در این شرایط نمی‌لغزم.»؛ خیر؛ اگر شما چنین بودید، نمی‌گفتند

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): جُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَكَأَنِّي يَقُولُ أَرْحَمَنَا يَا بَلَاءُ. (بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۹۳)

۲. پیام به نهمین سمینار نماز ۱۸ / ۰۶ / ۱۳۷۸

۳. در دیدار علما و طلاب استان فارس ۱۱ / ۲ / ۸۷

روزی پنج نوبت بگویید: «اهدنا الصراط المستقیم»؛ یک بار دعا میکردید و تمام میشد و میرفت. اینکه به شما میگویند هر روز ده مرتبه - پنج نوبت و هر نوبت دو بار - حداقل، باید بگویید «اهدنا الصراط المستقیم»، به خاطر این است که همه‌ی ما احتیاج داریم دائم متذکر باشیم که راه راستی وجود دارد - که البته همان راه عبودیت الهی، راه بندگی خدا و جدا شدن از بندگی نفس و بندگی هر که غیر خدا است - و ممکن است ما از آن راه منحرف شویم و از خدا متضرعانه می‌خواهیم که «خدایا! ما را در این راه نگه‌دار؛ ما را به این راه هدایت کن؛ این راه را به ما نشان بده.» دائم بر سر دوراهی هستیم؛ دائم.^۲

رکن اصلی دین و پشتمانی مستحکم در مبارزه با شیطان

نماز، رکن اصلی دین است و باید اصلی‌ترین جایگاه را در زندگی مردم داشته باشد. حیات طیبه‌ی انسان در سایه‌ی حاکمیت دین خدا وقتی حاصل خواهد شد که انسانها دل خود را با یاد خدا زنده نگه‌دارند و به کمک آن بتوانند با همه‌ی جاذبه‌های شر و فساد مبارزه کنند و همه‌ی بتها را بشکنند و دست تطاول همه‌ی شیطانهای درونی و برونی را از وجود خود قطع کنند. این ذکر و حضور دائمی، فقط به برکت نماز حاصل میشود؛ و نماز در حقیقت پشتمانی مستحکم و ذخیره‌ای تمام‌نشدنی در مبارزه‌ای است که آدمی با شیطان نفس خود - که او را به پستی و زبونی میکشد - و شیطانهای قدرت که با زور و زور او را وادار به ذلت و تسلیم میکنند، همیشه و در همه حال دارد.^۳

۱. سوره‌ی حمد، آیه‌ی ۶

۲. در جمع مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۱/۵/۱۹

۳. پیام به اولین اجلاس سالنامه‌ی اقامه‌ی نماز در مشهد مقدس ۱۳۷۰/۷/۱۵

میراث ادیان گذشته

ما میدانیم که نماز و زکات، مخصوص امت اسلام نبوده است؛ بلکه پیامبران قبل از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در صدر احکام خود، نماز و زکات را داشته‌اند. «وأوصانی بالصلاة والزكاة ما دمت حياً»؛^۱ از قول حضرت عیسی (علیه السلام) است که به مخاطبان خود میفرماید: خدا من را به نماز و زکات وصیت کرده است. از آیات دیگر قرآن هم این معنا استفاده میشود.^۲

وسیله‌ای برای زدودن زنگارها و عروج الی الله

در شریعت مقدس اسلامی برای ما که محصور و محدود به عوامل ماده هستیم، یک فرصتهایی گذاشته شده است که آن فرصتهای نماز است. وقت صبح، وقت ظهر، وقت عصر، وقت مغرب، وقت عشا. یک زنگ بیدارباش است، یک خلوت دادن به خود برای ایجاد نورانیت در دل و نفس است؛ ساعات نماز را در شبانه روز برای ما قرار دادند، برای اینکه غرق نشویم؛ از اسارت ماده یک لحظه‌ای بیرون بیاییم، نفسی تازه کنیم، به یاد معنویت بیفتیم، یکسره غرق در مادیات نباشیم.^۳ ما میتوانیم با استفاده‌ی از آنها، عروج کنیم؛ خودمان را اصلاح نماییم و زنگارها و پوسیدگی‌ها و غفلتها و بیماری‌های معنوی را از خودمان دور کنیم. نماز، فرصت بسیار خوبی است. شما اگر امتحان نکرده‌اید. که قاعدتاً امتحان کرده‌اید و ان شاء الله عمل دائمی شما، همین‌طور باشد. امتحان کنید. توجه بکنید که در حال نماز، اگر متوجه خودتان و کاری که از شما سر میزند، باشید، قطعاً بعد از نماز شما، با قبل از نماز شما متفاوت خواهد بود. شرطش

۱. سوره‌ی مریم، بخشی از آیه‌ی ۳۱

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۹/۱/۱۰

۳. در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۹/۵/۲۷

همین است که توجه کنید در حال نماز، مشغول چه کاری هستید. بهترش این است که اذکار نماز را بفهمید؛ کار بسیار آسانی است.^۱

وسیله‌ای مستحکم و دائمی برای ارتباط با خدا

هیچ وسیله‌ای مستحکم‌تر و دائمی‌تر از نماز برای ارتباط میان انسان با خدا نیست. مبتدی‌ترین انسانها رابطه‌ی خود با خدا را به وسیله‌ی نماز آغاز میکنند. برجسته‌ترین اولیای خدا نیز بهشت خلوت انس خود با محبوب را در نماز میجویند. این گنجینه‌ی ذکر و راز را هرگز پایانی نیست، و هر که با آن بیشتر آشنا شود، جلوه و درخشش بیشتری در آن می‌یابد.^۲ آن کسی که همه‌ی رابطه‌هایش قطع شده، اگر توانسته باشد رابطه‌ی نماز را نگه دارد، این او را نجات میدهد.^۳

بزرگ‌ترین فریضه و مؤثرترین ابزار در عرصه‌ی جهاد اجتماعی

نماز در عرصه‌ی تکاپوی لایزال و ناگزیری که بشر بدان مأمور بلکه مطبوع گردیده است، بزرگ‌ترین فریضه و مؤثرترین ابزار است. شاید برخی این خصوصیت را برای نماز فقط در میدان تکاپوی فردی به سوی کمال، شناخته و از نقش آن در صحنه‌ی جهاد جمعی و اجتماعی و در برابر معارضات پر قدرت دنیایی سخنی ننشیده باشند؛ از این رو باید دانست که پایمردی در همه گونه رویارویی، وابسته به آن است که دلها و اراده‌ها از صفا و توکل و اعتماد به نفس و امید به فرجام، لبریز باشد، و نماز سرچشمه‌ی جوشانی است که این همه و بسی فیوضات دیگر را بردل و جان نمازگزار سرازیر میکند و از او انسانی روشن ضمیر و ثابت قدم و بی دغدغه و امیدوار

۱. در دیدار با ائمه‌المرکز (روز یازدهم ماه مبارک رمضان) ۱۳۶۹/۱/۱۸

۲. پیام به اولین اجلاس سالیان‌های اقامه‌ی نماز در مشهد مقدس ۱۳۷۰/۷/۱۵

۳. در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۰

میسازد. اینکه در قرآن و سخن والای پیامبر خاتم (صلی الله علیه وآله وسلم) نماز، بازدارنده از فحشا و منکر و معراج مؤمن و تقرّب دهنده ی پرهیزکار و در یک سخن، بهترین نهاد دین معرفی شده و پیامبر مکرم، آن را روشنی چشم خویش خوانده است، باید ما را در فهم عظمت نماز به تأمل و ژرف نگری بیشتر بکشانند.^۱

معنایافتن جهاد به وسیله ی نماز

یک وقتی در دوران طاغوت و در بعضی از سلولهای زندانهای دشوار و هولناک آن رژیم که زندانی های گوناگونی در آنجا زندانی بودند، از زندانی های مسلمان و با تفکر اسلامی، تا بعضی که با گرایشهای حزبی و ایدئولوژی های گوناگونی که به هر حال اسمش اسلامی بود، ما شنیده بودیم - شاید خود من به غیر واسطه هم شنیده بودم، اگر دیگران هم شنیده بودند که نقل میکردند - که بعضی از اینها میگفتند: چقدر میگویید «حی علی الصلوة»، بگویید «حی علی الجهاد». فضای مبارزه، این تفکر و این نگاه را به مسائل به وجود آورده که دائم چسبیده اید به صلوة و مرتب میگویید «حی علی الصلوة، حی علی الصلوة»؛ خوب بگویید «حی علی الجهاد» و مردم را به جهاد فراخوانید. اما تجربه های روزگار نشان داد که بی اعتنائی به نماز، چه بر سر یک انسانی و چه بر سر جهاد انسانها می آورد؛ هم جهاد را تعطیل میکند، هم جهت مبارزه را از جهاد بودن خارج میکند و به مبارزه ی برای قدرت و برای هوای نفس تبدیل میکند. آن چیزی که مبارزه ی یک انسان و چالش یک امت را رنگ جهاد و معنای جهاد میبخشد، همان توجه به خدا است، که قوامش به نماز است.^۲

۱. پیام به اجلاس نماز ۱۶/۶/۱۳۷۲

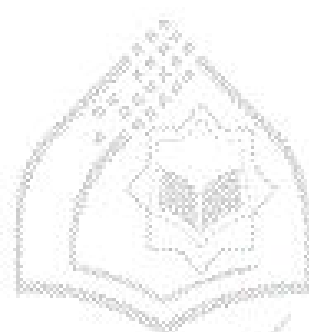
۲. در دیدار دست اندرکاران ستاد اقامه ی نماز ۲۷/۶/۱۳۸۵

سه خصوصیت عمده‌ی نماز و نقش آن در تهذیب نفس و پرورش روان انسان نماز برترین چیزی است که میتواند همه‌ی افراد جامعه‌ی مسلمان را به تهذیب اخلاقی و تعالی روحی و معنوی برساند. سه خصوصیت عمده در نماز هست که نقش برتر آن را در تهذیب نفس و پرورش روانی انسانها پدید می‌آورد.

نخست اینکه نماز، با شکلی که در اسلام برای آن معین گشته، یعنی حرکات و اذکار مخصوص، به‌طور طبیعی نمازگزار را به دوری از گناه و آلودگی فرامیخواند: «ان الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنکر»^۱. این فراخوانی پیوسته، توانایی آن را دارد که هرکس را از منجلا بیاورد، رها سازد و عروج بخشد. دوم آنکه در او روح پرستش و خضوع در برابر حضرت باری تعالی را که محبوب حقیقی و فطری هر انسان است، زنده میکند و غبار فراموشی از این حقیقت درخشنده را که در ژرفای فطرت او نهاده شده است می‌سترد. سوم آنکه به جان و دل نمازگزار، آن آرامش و اطمینانی را که شرط اصلی موفقیت در همه‌ی عرصه‌های زندگی است، هدیه میکند و تزلزل و اضطراب را که مانع بزرگی در راه اقدام مجدّانه برای پرورش اخلاقی است، از او دور می‌سازد.^۲

۱. سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۴۵، ترجمه: «همانا که نماز از کار زشت و ناپسند باز میدارد.»

۲. پیام به مناسبت گردهمایی سالیانه‌ی نماز ۱۴/۶/۱۳۷۴



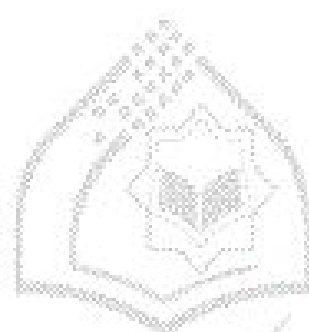
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

فصل دوم

پرواز تا ملکوت

(آثار و برکات نماز)

مؤلف: مولانا محمد رفیع الرحمن صاحب مدظلہ العالی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

الف- آثار فردی

مهم‌ترین عمل برای رسیدن به قلّه‌های سعادت

شما جوانید، دل‌های شما پاک است، ناآلوده است. به عمق این حرف هم شما حالا نمیرسید، که این ناآلودگی معنایش چیست، گرفتاری دل‌های آلوده کجا است؛ این را شما که جوانید، حالا حالاها به آن نمیرسید؛ به حدود سنی ما که رسیدید، آن وقت گرفتاری را می‌فهمید، می‌بینید که چقدر این زلالی دل در دوره‌ی جوانی قیمت و ارزش دارد، که دیگر قابل برگشت هم نیست.

امروز این سرمایه در اختیار شما است... این دل پاک و زلال را هرچه میتوانید، با منبع عظمت، با منبع حقیقت، با منبع زیبایی - یعنی ذات مقدّس باری تعالی - پیوند دهید و نزدیک کنید. اگر موفق شدید، تا آخر عمر زندگی سعادت‌مندانه خواهید داشت؛ اگر حالا موفق نشوید، بیست سال دیگر سخت‌تر است؛ اگر بیست سال بعد هم - که شماها ۴۰ سال، ۴۵ سال سَنَتان هست - موفق نشوید، بیست سال بعدش بسیار بسیار مشکل‌تر است؛ یعنی در سنین کمتر از سنِّ حالای من؛ خیلی سخت خواهد شد. نه اینکه محال باشد، اما مشکل است. حالا دل را به خدا پیوند بزنید. راهش

هم در شرع مقدّس باز است؛ یک کار رمزآلود پیچیده‌ای نیست. شما قلّه‌ی کوه را از پایین نگاه میکنید، می‌بینید کسانی آنجا هستند؛ این جور نیست که تصوّر کنید اینها بال زدند رفتند آنجا؛ نه، اینها از همین مسیری که جلوی پای شما است، جلو رفتند و به آنجا رسیدند. دچار توهم نشویم، خیال نکنیم که با یک نوع حرکت غیر عادی و غیر معمولی میتوان به آن قلّه‌ها رسید؛ نه، آنهایی که در آن قلّه‌ها مشاهده میکنید، از همین راه‌ها عبور کردند. این راه‌ها چیست؟ در درجه‌ی اوّل، ترک گناه. گفتنش آسان است، عملش سخت است؛ اما ناگزیر است. دروغ نگفتن، خیانت نکردن، از لغزشهای گوناگون جنسی و شهوانی پرهیز کردن، از گناهان پرهیز کردن؛ قدم مهم‌ترینش این است. بعد از ترک گناه، انجام واجبات، و از همه‌ی واجبات مهم‌تر، نماز است. «واعلم انّ کلّ شیء من عملک تبع لصلاتک»؛ همه‌ی کار انسان تابع نماز است. نماز را به وقت بخوانید، با توجّه و با حضور قلب بخوانید. حضور قلب یعنی بدانید که دارید با یکی حرف میزنید؛ بدانید یک مخاطبی دارید که دارید با او حرف میزنید. این حالت را اگر در خودتان تمرین کردید، اگر توانستید این تمرکز را ایجاد کنید، تا آخر عمر این برای شما میماند... از حالا عادت کنید این تمرکز را در حال نماز در خودتان ایجاد کنید و به وجود بیاورید. آن وقت این آن صلاتی است که: «تنهی عن الفحشاء والمنکر»^۲. «تنهی» یعنی شما را نهی میکند؛ معنایش این نیست که مانعی جلوی شما میگذارد که شما دیگر نمیتوانید گناه کنید؛ نه، یعنی دائم به شما میگوید گناه نکن. خب، روزی چند نوبت از درون دل انسان به او بگویند گناه نکن، گناه نکن، انسان گناه نمیکند. این نماز است.^۳

۱. نهج البلاغه، نامه‌ی ۲۷

۲. سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۴۵، ترجمه: «از کار زشت و ناپسند باز میدارد.»

۳. در دیدار صمیمانه و پرشور هزاران نفر از دانشجویان دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۶/۱

مایه‌ی آرامش دلها و برطرف‌کننده‌ی نگرانی‌ها

همان‌طور که مژده‌ی قیام نماز، پیامبر عظیم‌الشان (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را - چنان‌که در حدیث آمده است - به وجد می‌آورد و به بلال، مژده‌رسان همیشگی نماز، می‌فرمود: «ارحنا یا بلال!»، یعنی ای بلال! دلم را با اذان که مژده‌ی نماز است، راحت بخش! همان‌طور هم بزرگداشت نماز و گستردن و بلند کردن نام آن، دل‌بندگان خدا را وجد و نشاط می‌بخشد و ابرهای تیره‌ی ملال و اضطراب را از آفاق آن، پراکنده می‌سازد، و این برخاسته از ویژگی خود نماز است که مایه‌ی آرامش دلها و برطرف‌کننده‌ی نگرانی‌ها و دغدغه‌های روحی در نمازگزار است.^۱

در روزهای دوران اختناق هم وقتی عناصر مؤمن می‌خواستند در مقابل فشار دستگاه حاکم و در مقابل وسوسه‌ها و اغواهای زندگی راحت - که آنها را وادار میکرد مبارزه را کنار بگذارند - مقاومت کنند، به روزه روی می‌آوردند. عبادات خدا این‌گونه است. حضور در مقابل پروردگار این‌طور است. نماز که می‌خوانید، آرامش پیدا می‌کنید؛ از اضطراب و تلاطم روح نجات پیدا می‌کنید. وقتی با خدای متعال مناجات و تضرع می‌کنید، جان خودتان را تصفیه و باصفا می‌کنید، آلودگی‌ها را از آن دور می‌کنید. روزه که می‌گیرید، خودتان را مثل فولاد، محکم و آبدیده می‌کنید. این‌گونه است.

آنچه که به وسیله‌ی عبادات به دست ما می‌آید، خیلی خیلی باارزش است؛ خیلی زیاد است. باید خدا را شکر کنیم که برای ما نماز و روزه و عبادات را آورد؛ به ما امکان داد که این بهره‌ها را برای خودمان فراهم کنیم.^۲

۱. پیام به مناسبت گردهمایی سالیانه‌ی نماز در شیراز ۱۳۷۳/۶/۱۰

۲. در دیدار علما، طلاب و اقشار مختلف مردم شهر مقدس قم به مناسبت سالروز نوزده دی‌ماه

عامل سرور و نشاط حقیقی

آن دعایی که در سجده‌ی نماز شب خوانده میشود و امام هم یک بار در سخنرانی‌شان گفتند، این است: «اللهم ارزقنی التجانی عن دارالغرور والاناثة الی دارالسرور»^۱. این، معتنابه^۲ سرور است؛ یعنی از خدا میخواهد که دل او، متمایل به دار سرور شود.

راستی، این، چه سروری است؟ «دار سرور» یعنی دار عقبی، دنیای آخرت؛ دنیایی که در آن، بهشت است؛ این «دار سرور» است؛ سرور مؤمنین است؛ این سرور را که نمیشود انسان در مدت عمر پنجاه ساله، شصت ساله، هشتاد ساله حس نکند؛ اینکه معنی ندارد؛ باید انسان این سرور را حس کند. این سرور، سروری است که با آن، غم نیست. این سرورهای ظاهری که ما پیدا میکنیم، غالباً با غم همراه است؛ غالباً محبت‌های شدید، با غم همراه است. با اینکه محبت، عامل شادی‌آوری است و به انسان نشاط میبخشد، اما به همین نسبتی که نشاط دارد، غم هم دارد. محبت در هر مرحله‌ای، با نشاط خودش غمی آمیخته دارد. گفت:

محنت قُرب ز بُعد افزون است جگر از محنت قُربم خون است

نمیدانم این بیت از کیست؛ سالها پیش، یک وقت این را یادداشت کردم. میگوید حتی در حالت وصل هم، باز محنت دارد:

نیست در بُعد جز امید وصال هست در قُرب، همه بیم زوال

حدّاقلّش این است. دغدغه دارد که این حالت خوش، این قرب، این وصال، زایل خواهد شد. همه‌ی امکانات مادی این‌گونه است؛ جز محبت معنوی، جز قرب معنوی، جز سرور معنوی، که اصلاً تمام شدن ندارد؛ یعنی کسی که واقعاً به خدای متعال محبت پیدا میکند، بیم زوال دارد؟! در وصل خدا، یعنی آن وصل عرفانی و معنوی، بیم زوالی هست؟! نه.

۱. زادالمعاد، ج ۱، ص ۱۲۹

۲. کاری که محلّ اعتنا و اهتمام باشد.

من سُرور را در نماز میبینم؛ این را که میگویم، حقیقتاً احساس من است. گاهی اوقات انسان از حادثه‌ای، از خبری، از پیشامدی، از ناتوانی‌ای در صحنه‌ای و در میدانی غمگین است و به چیزی می‌خواهد پناه ببرد که این غم را بزدايد. گاهی انسان به تفریح و دوستی، به رفاقت و به بگوبخند، پناه می‌برد. کسانی می‌توانند، کسانی هم گیرشان نمی‌آید و نمیتوانند؛ اقا من به تجربه دریافته‌ام آن عاملی که همواره در چنین حالاتی به انسان مسرت می‌بخشد، نماز است؛ یعنی انسان وقتی به طرف نماز میرود، دلش باز میشود و آن مسرت معنوی در او به وجود می‌آید؛ چرا؟ چون نماز، آن مرحله‌ای است که انسان با خدا، بدون هیچ‌گونه واسطه و هیچ پرده‌ای حرف می‌زند؛ آن، مسرت حقیقی است. از این مسرت، نباید غافل شد.^۱

یاد خدا؛ تضمین‌کننده‌ی صحت عمل و استقامت در مسیر

ارتباط با خدا تضمین‌کننده‌ی صحت عمل و استقامت در راه است. اگر بخواهیم در این جاده درست حرکت کنیم، با ظواهر دل‌فریب زودگذر از راه پرت نیفتیم و به سمت هدف، مستقیم حرکت کنیم، حتماً در این کار، یاد خدا و اتکاء به خدا و اتصال دائمی به خدا مورد نیاز است؛ این را باید دستور همیشگی خودمان قرار دهیم. اینکه شاعر می‌گوید «خوشا آنان که دائم در نمازند»^۲، منظورش این نیست که دائم رو به قبله نشسته‌اند یا ایستاده‌اند و یا رکوع و سجود میکنند؛ منظور، روح نماز و ذکر و یاد خدا است. باید دائم در یاد خدا بود.^۳

۱. در دیدار گروه ورزش و سرگرمی صدا ۱۳۷۱/۱۰/۱

۲. «خوشا آنان که دائم در نمازند / بهشت جاودان بازارشان بی» (باباطاهر عریان همدانی، ۳۲۶ هـ.ق)

۳. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۶/۸

اذکار نماز؛ موجب آشنایی بیشتر با معارف الهی

کلمات و اذکار نماز، هریک خلاصه‌ای است که به بخشی از معارف دین اشاره میکند و به‌طور مکرر و پی‌درپی آن را به یاد نمازگزار می‌آورد. نمازی که با تدبّر در معانی و بدون سهو و غفلت گزارده شود، انسان را روزبه‌روز با معارف الهی آشناتر و به آن دل‌بسته‌تر می‌سازد.^۱

تأثیر نماز در استحکام و تقویت صبر

صلاة را به مفهوم عامّ صلاة بگیرید؛ یعنی توجه، ذکر، خشوع؛ وّالّا صورت نماز درحالی که خالی از ذکر باشد، مورد نظر نیست. لذا در آن آیه‌ی شریفه هم که راجع به صلاة فرموده، بعد می‌فرماید: «وَلَذَكَرَ اللَّهِ أَكْبَرُ»^۲. «إِنَّ الضَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^۳. این، یک خاصیت صلاة است؛ اما بزرگ‌تر از نهی از فحشا و منکر، نفس ذکر خدا است که در صلاة وجود دارد.

این صلاة یعنی آن ذکر، توجه، خشوع، ارتباط قلبی با خدا، در استحکام صبر تأثیر دارد... لذا در قرآن هم ملاحظه کنید «وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ»^۴ است. البته «وَاصْبِرْ» در قرآن زیاد است که اگر انسان بخواهد آیات را بخواند، هر کدام یک دریایی از معرفت است. حالا این آیه‌ی شریفه‌ی «وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ به کمک خدا است که تو میتوانی صبر کنی؛ یعنی استقامت آن وقتی پایان‌ناپذیر میشود که متصل باشد به منبع پایان‌ناپذیر ذکر الهی. اگر صبر را - که صبر به همان معنای پایداری و ایستادگی و استقامت و عقب‌گرد نکردن است - وصل کنیم به آن پایگاه ذکر الهی، به آن منبع لایزال، این صبر دیگر تمام نمیشود. صبر که تمام نشد، معنایش این است

۱. پیام به اولین اجلاس سالیانه‌ی اقامه‌ی نماز در مشهد مقدّس ۱۳۷۰/۷/۱۵

۲. سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۴۵، ترجمه: «و قطعاً یاد خدا بالاتر است.»

۳. سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۴۵، ترجمه: «که نماز از کار زشت و ناپسند باز میدارد.»

۴. سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۱۲۷، ترجمه: «و صبر کن و صبر تو جز به [توفیق] خدا نیست.»

که این سیرانسان به سوی همه‌ی قلّه‌ها هیچ وقفه‌ای پیدا نخواهد کرد. این قلّه‌ها که می‌گوییم، قلّه‌های دنیا و آخرت، هر دو است: قلّه‌ی علم، قلّه‌ی ثروت، قلّه‌ی اقتدار سیاسی، قلّه‌ی معنویت، قلّه‌ی تهذیب اخلاق، قلّه‌ی عروج به سمت عرش عالی انسانیت. هیچ‌کدام از اینها دیگر توقف پیدا نخواهد کرد؛ چون وقفه‌ها در حرکت ما ناشی از بی‌صبری است. دو لشکر مادی وقتی در مقابل هم صف‌آرایی میکنند، آن کسی که زودتر صبرش تمام بشود، شکست می‌خورد؛ آن کسی که دیرتر صبر و مقاومتش تمام بشود، پیروز خواهد شد؛ چون با لحظه‌ای مواجه خواهد شد که طرف مقابل صبر خودش را از دست داده. این مثال خیلی ظاهر و بارز عینی‌اش است؛ در همه‌ی میدانها همین جور است.^۱

حفظ ارتباط با خدا به وسیله‌ی نماز

رابطه‌ی با خدا را حفظ کنید. وسیله‌ی حفظ این رابطه هم در اختیار همه هست. اگر همین نماز پنج‌گانه، با توجه، با حضور قلب و با این توجه که در مقابل خدا ایستاده‌ایم، خوانده شود، بهترین رابطه است و روزبه‌روز دل شما را نورانی‌تر خواهد کرد. آن جوانهایی که شبهای قدر در مساجد، حسینیه‌ها و حریمهای مطهر گرد هم آمدند، گریه کردند، دعا خواندند، قرآن سرگرفتند، احیاء گرفتند و دل‌هایشان را با نور محبت الهی نورانی کردند، این رابطه را حفظ کنند، که از آن بهره‌مند خواهند شد. ان شاء الله در طول زمان، در سالهای دیگر، روزبه‌روز این رابطه بیشتر خواهد شد؛ انسان از این راه است که به کمال مطلوب و غایت خلقت خود دست خواهد یافت. موفقیت در همه‌ی میدانهای زندگی هم به همین وابسته است.^۲

۱. در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخشهای مختلف نظام ۱۳۸۷/۶/۱۹

۲. خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۵/۸/۲

نماز برترین و کارآمدترین وسیله برای تأمین نیاز ارتباط معنوی با خدا امروزه با سیطره‌ی نظم ماشینی بر همه‌ی جامعه‌های بشری، انسان و انسانیتها سخت در فشارند. آحاد بشر در چنین نظمی ناگزیرند آهنگ زندگی فردی و اجتماعی را، با نواخت سنگین و روح‌گداز ماشین، همسان و یک‌آهنگ کنند. رحم و مروت و گذشت و ایثار و بسی ارزشهای اخلاقی دیگر، در این همنواختی است که کم‌تأثیر و بی‌رنگ میشود، و خانواده و اخلاق همزیستی مهرآمیز خانوادگی، در چنین وضعی است که پایمال و منهدم میگردد. از ده‌ها سال پیش، دلسوزان و تیزبینان، حتی در قلب محیط تمدن صنعتی و ماشینی، این خطر را احساس کرده و هشدار داده‌اند، و با تأسف، هنوز میلیون‌ها انسان بویژه جوانان که احساسات لطیف‌تر و روحیه‌ی آسیب‌پذیرتر دارند، در این بلای بزرگ همچنان بی‌دفاع و بی‌علاجند.

نیاز به رابطه‌ی معنوی با خداوند رحیم و کریم، بدین جهت امروز برای مردم دنیا از همیشه حادتر و جدی‌تر است؛ و نماز برترین و کارآمدترین وسیله برای تأمین این نیاز است. بشریت امروز به نماز خالص و کامل و پرشور اسلامی، از همیشه نیازمندتر است.^۱

رهایی از پوچی و بی‌هدفی و ضعف

نماز با حضور و با توجه، نمازی که از یاد و ذکر سرشار است، نمازی که آدمی در آن با خدای خود سخن میگوید و به او دل می‌سپارد، نمازی که والاترین معارف اسلام را پیوسته به انسان می‌آموزد، چنین نمازی انسان را از پوچی و بی‌هدفی و ضعف میرهاند و افق زندگی را در چشمش روشن می‌سازد و به او همت و اراده و هدف می‌بخشد و دل او را از میل به کج‌روی و گناه و پستی نجات میدهد. از این رو است که نماز در همه‌ی حالات،

۱. پیام به هفتمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۷۶/۷/۷

حتی در میدان نبرد و سخت‌ترین آزمایشهای زندگی، اولویت خود را از دست نمیدهد. انسان همیشه به نماز محتاج است، و در عرصه‌های خطر، محتاج‌تر!^۱

مانع فسادپذیری انسان

انسان که از سویی گاه مظهر برترین و زیباترین حقایق هستی است، از سویی دیگر، گاه محل بروز زشتی‌ها و پستی‌های بی‌همانند نیز میگردد. اگر در جایی و زمانی او را مظهر آگاهی و محبت و فداکاری یا خردمندی و آفرینندگی و پیشرفت در عرصه‌های تعالی، یا آیت شوق و شور و امید می‌بینیم، در جایی و زمانی دیگر او را دچار غفلت و کینه و خودخواهی، یا جهل و عادت و رکود، یا سستی و نومیدی و بدبینی مشاهده میکنیم.

این عنصر با استعداد، میتواند برترین موجود گیتی تا پست‌ترین پدیده‌ی هستی گردد. او مجهز به همه‌ی ابزارها و زمینه‌های تعالی و تکامل معنوی و مادی، آفریده شده است. سرشت او، نیک و راه نیکی به روی او باز است. خرد و قدرت بر تصمیم‌گیری و انتخاب، دو بال توانای اویند و رسولان الهی راهنمایان و امیددهندگان و کمک‌کنندگان به او؛ اما او با این حال میتواند تسلیم ضعفها و هوسها و خودخواهی‌ها یا جهلها و غفلتها و عاداتهای خود شود و خود را از همه‌ی آن بشارتها و امیدها و معراجها محروم سازد. این همان است که آن را باید «فسادپذیری انسان» نامید و همان است که در عمر دراز بشریت و نیز در عمر هر یک از آحاد بشر، بزرگ‌ترین مصیبت او و خطرناک‌ترین تهدید او به شمار رفته است و میرود.

برای پیشگیری و نیز درمان این آفت بزرگ، دین خدا «ذکر» را به انسان آموخته است. ذکر یعنی حقیقت را به یاد آوردن، خود را در برابر خدا یافتن، به او گوش سپردن و به او دل دادن؛ یعنی از دل مشغولی‌هایی که

۱. پیام به اولین اجلاس سالیانه‌ی اقامه‌ی نماز در مشهد مقدس ۱۳۷۰/۷/۱۵

آدمی را اسیر و سوسه‌ی هوسها میکند یا میل به برتری جویی و کین‌ورزی و آزمندی او را ارضاء می‌سازد، خود را رها ساختن؛ یعنی او را از جهنمی که برای خود فراهم کرده است، به بهشت صفا و انس و بهجت و امن بردن. و نماز با ترکیب هماهنگی دل و زبان و حرکت، ناب‌ترین و کامل‌ترین نمونه و وسیله‌ی ذکر است.^۱

نورانیت نماز؛ از بین برنده‌ی ظلمت گناهان

انسان در معرض خطاهای گوناگونی است. هر انسانی - بزرگ و کوچک و پیر و جوان ندارد - بالاخره سهوها و اشتباهات و خطاهایی دارد و گناهانی بر او عارض می‌شود. انسان اگر بخواهد در جاده‌ی زندگی موفق شود، نماز میتواند جبران‌کننده باشد. در آیه‌ی شریفه‌ی قرآن می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»^۲؛ یعنی نماز را در دو سوی روز و پاره‌هایی از شب به جا آورید؛ زیرا نیکی‌ها میتواند بدی‌ها را از بین ببرد. نماز نورانیتی دارد؛ ظلمتها را از بین می‌برد، بدی‌ها را از بین می‌برد و اثر گناهان را از دل می‌زداید. انسان بالاخره ممکن است آلودگی‌هایی پیدا کند و دست و بالش به خطایی بند شود. اگر به نماز پایبند باشید، این نورانیت شما باقی خواهد ماند و گناه این فرصت را پیدا نمی‌کند که در جان شما نفوذ کند.^۳

بازدارنده‌ی از فحشا و منکر

انسانی که باتقوا است، یعنی مراقب خودش است و متذکر است، منشأ شر و ظلم و فساد و طغیان و بدی به این‌و آن نمیشود. آن ذکر الهی مرتب دارد

۱. پیام به اجلاس سراسری نماز ۱۳۸۰/۶/۱۵

۲. سوره‌ی هود، بخشی از آیه‌ی ۱۱۴

۳. در دومین روز از دهه‌ی مبارکه‌ی فجر، روز انقلاب اسلامی و جوانان ۱۳۷۷/۱۱/۱۳

او را نهی میکند؛ مرتب دارد او را باز میدارد: «الصلوة تنهى». «تنهی» یعنی نهی میکند، نه اینکه دست و پای انسان را میبندد، غرایز را از کار می اندازد. بعضی خیال میکنند «الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر»^۱، معنایش این است که اگر نماز خواندی، دیگر فحشا و منکر از بین خواهد رفت؛ نه، معنایش این است که وقتی نماز میخوانی، آن واعظ درونی تو که با نماز جان گرفته، او مرتب به تواز بدی فحشا و منکر میگوید؛ و گفتن و تکرار کردن و بردل فرو خواندن، طبعاً اثر دارد و دل را خاضع و خاشع میکند. لذاست می بینید نماز تکرار باید شود. روزه، سالی یک بار؛ حج، عمری یک بار؛ نماز، هر روز چند بار باید تکرار شود. اهمّیت نماز اینجا است.^۲

انسانها وقتی دلشان با نماز انس گرفت و از طریق نماز با خدای متعال مأنوس و آشنا شدند، به طور طبیعی گناهان از اینها دور میشود؛ دلهاشان نسبت به گناه حسّاس میشود و آن حالت تقوایی که در شرع مقدّس قوام دینداری است، بتدریج در انسان حاصل میشود. مسئلهی نماز این است.^۳

مرکز تحقیقات پژوهش‌های علوم اسلامی

داروی شفافبخش

انسان در زندگی شخصی اش، گاه بر اثر محنتها و شدتها و مصیبتها، و در زندگی جمعی اش گاه با حوادث تحوّل آفرین مانند حرکت عمومی به سوی جهاد یا انفاق یا کمک به نیازمندان، به عامل ذکر نزدیک میشود، و گاه با سرگرمی های هوس آلود و غرق شدن در سرخوشی و اشرافیگری و عیش بارگی، از آن دور می افتد. عنصری که میتواند در همه ی این احوال او را به بهشت «ذکر» نزدیک یا نزدیک تر کند، نماز است.

۱. سوره ی عنکبوت، بخشی از آیه ی ۴۵

۲. در دیدار شرکت کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

۳. در دیدار دست اندرکاران ستاد اقامه ی نماز ۱۳۸۵/۶/۲۷

نماز در حالات آمادگی روحی، به آدمی عروج و حال و حضور بیشتر میبخشد و در حالات غفلت و ناآمادگی، در گوش او زنگ آماده باش مینوازد و او را به آن وادی نورانی نزدیک میسازد. لذا نماز در هیچ حالی نباید ترک شود. در عین شدت و محنت، در بحبوحه‌ی میدان جهاد، در هنگام فراغ و آسایش، و حتی در میان محیط لجن‌آلودی که انسان با هوسها و کینه‌ها و شهوتها و خودخواهی‌ها، پیرامون خود پدید آورده است، نماز یک شربت مقوی و شفابخش است؛ باید آن را با دل و جان خود نوشید و از هر نقطه که در آن واقع شده‌ایم، یک گام یا یک میدان به بهشت رضوان نزدیک شد. از این رو است که نه «حَیَّ عَلَی الْجِهَاد» و نه «حَیَّ عَلَی الصَّوْم» و نه «حَیَّ عَلَی الْإِنْفَاق»، نگفته‌اند، ولی در هر روز بارها سروده‌اند: «حَیَّ عَلَی الصَّلَاة»^۱.

علاج تکبر

در میان خصلت‌های نکوهیده که سلامت جان و راحت زندگی را با خطر و مانع مواجه میسازند، تکبر از پرافت‌ترین آنها است. خودبرتربینی و سرکشی برخاسته از آن، چه بسیار حقیقت‌ها را ناشناخته، و چه راه‌های فضیلت را ناپیموده میگذارد و چه کینه‌ها و خصومت‌های نابه‌حق و چه زشتی‌ها و ناهنجاری‌ها که پدید می‌آورد. آری تکبر، حجاب حقیقت، و خار راه فضیلت، و دشمن صفا و صداقت، و انگیزه‌ی دشمنی و شرارت است. آحاد و جامعه‌های بشری از آغاز عمر خود تا کنون، ضایعات بی‌شماری را از کبر و خودپسندی اقوام و افراد، و سرکشی‌ها و تعصبات ناشی از آن، تحمل کرده‌اند و میکنند.

عبادات اسلامی و بیش از همه نماز، برای زدودن این آفت از جان آدمیان، از جمله درمان‌های مؤثر و کارآمد میباشند. نماز، آنگاه که با حال و حضور و آداب، گزارده شود روح آدمی را به نیازمندی ذاتی وی آشنا میسازد،

وریشه‌ی کبر و تفاخر و جبروت موهوم را در درون او میسوزاند. خشوع در برابر پروردگار، نور بصیرت را بر دل او میتاباند و سایه‌ی وهم‌آلود خودبزرگی‌بینی را از آن میزداید: «فرض الله الايمان تطهيراً من الشرك والصلاة تنزيهاً من الكبر...»^۱.
 ...در نهج‌البلاغه چنین آمده است: «وعن ذلك ما حرس الله عباده المؤمنين بالصلوات والزكوات ومجاهدة الصيام في الايام المفروضات، تسكيناً لأطرافهم وتخشيعاً لأبصارهم وتذليلاً لأنفوسهم وتخفيضاً لقلوبهم واذهاً بالخيلاء عنهم»^۲؛ یعنی خداوند بندگان مؤمن را با نمازها و زکات‌ها و روزه‌های دشوار، از کبر و خودبینی محافظت و حراست می‌کند؛ به پیکر آنان آرامش می‌بخشد، به دیدگان آنان فروتنی می‌دهد، نفس آنان را رام می‌سازد، دل‌های آنان را افتادگی می‌آموزد، و خودپسندی را از آنان دور می‌کند.^۳

ب- آثار اجتماعی

نماز؛ شکل‌دهنده‌ی هندسه‌ی نظام اسلامی

نماز دارای جنبه‌ی اجتماعی هم هست. جنبه‌ی اجتماعی نماز این است که یکایک مسلمانان به وسیله‌ی نماز با یک مرکز واحدی در تماس میشوند. در آن واحد در وقت نماز، همه‌ی مسلمانان در همه‌ی نقاطی که دنیای اسلام گسترده است، دل را به یک مرکز واحدی متصل می‌کنند؛ این اتصال همه‌ی دل‌ها به یک مرکز واحد، یک مسئله‌ی اجتماعی است، یک مسئله‌ی نظام‌ساز است، معین‌کننده و شکل‌دهنده‌ی هندسه‌ی نظام اسلامی است.^۴

۱. نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ج ۱، ص ۴۶

۲. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۲

۳. پیام به سمینار نماز ۱۳۷۹/۶/۱۹

۴. در حرم مطهر رضوی در اولین روز سال ۱۳۹۴/۱/۱

اقامه‌ی جامعه‌ی دینی به وسیله‌ی نماز

اینکه به ما گفتند «الصلوة عمود الدین»^۱، باید این را جدی بگیریم. خیمه‌ی دین با نماز برپا است؛ هم در دین‌داری و تدین یک فرد، هم در اقامه‌ی یک جامعه‌ی دینی و هم در دین‌داری یک کشور و یک مجتمع. اگر ما نتوانیم کیفیت تأثیر نماز را در این عرض عریض و وسیع درست تشخیص بدهیم، از کوتاهی دید ما است؛ و آلا آن کسی که فرموده است: «الصلوة عمود الدین» و آیات کریمه‌ی قرآن که ناطق به اهمیت نماز هستند، خوب میدانند که این سازوکار چگونه و این نقش چگونه است.^۲

جامعه‌ی نورانی در پرتو نماز خاشعانه

نماز آنگاه که با توجه و حضور همراه است، نه تنها دل و جان نمازگزار، که فضای پیرامون او را نیز لطیف و نورانی و معطر می‌سازد و به خانه و خانواده و محیط کار و محفل دوستان و مجامع شهروندان و همه‌ی فضاهای زندگی پرتوافشانی میکند. هرچه نمازگزاران متوجه و خاشع و ذاکر بیشتر شوند، ظلمات خودخواهی‌ها و خودکامگی‌ها و بددلی‌ها و آزمندی‌ها و تجاوزگری‌ها و حسادت‌ها و بدخواهی‌ها کمتر میشود و نور رستگاری بر پیشانی زندگی، بیشتر می‌درخشد.

ریشه‌ی همه‌ی تلخ‌کامی‌های بشر در غفلت از خدا و محدود شدن به منافع شخصی است. نماز، آدمی را از این حصارهای ظلمانی میرهاند و شهوت و غضب او را به سوی حقیقت متعالی و خیر همگانی هدایت میکند. نماز خاشعانه و سرشار از حال و حضور، بهشتی واقعی، نخست در دل و جان نمازگزار و بتدریج در محیط زندگی می‌آفریند و صلاح و فلاح را به انسان هدیه میکند. از این رو در همه‌ی ادیان الهی، نماز گزاردن، اصلی‌ترین

۱. بحار، ج ۸۲، ص ۲۱۸

۲. در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز ۱۳۸۵/۶/۲۷

ادب دین‌داری و آشکارترین و عمومی‌ترین نشانه‌ی ایمان است؛ و نماز اسلام، کامل‌ترین و زیباترین نمازها است.^۱

نماز؛ کلیدی‌ترین عنصر اصلاح فرد و جامعه

اهمیت کار اقامه‌ی نماز و ترویج نماز، ناشی است از اهمیت خود نماز. وقتی ما می‌بینیم در شرع مقدس اسلام این همه راجع به نماز - چه در قرآن، چه در کلمات نبی مکرم، چه در فرمایشات معصومین - ترغیب و تشویق و اهتمام نشان داده شده، کشف میکنیم که این نماز در بین مجموعه‌ی داروهای درمان‌گری بیماری‌های جسمی و روحی و فردی و اجتماعی انسان، آن عنصر اصلی یا یکی از اصلی‌ترین عناصر است. همه‌ی واجبات شرعی، اجتناب از همه‌ی محرمات، تشکیل‌دهنده‌ی مجموعه‌ای است از داروی تجویز شده‌ی از سوی پروردگار برای تقویت بنیه‌ی روحی و اصلاح امور دنیا و آخرت انسان - اصلاح جامعه، اصلاح فرد - منتها در این مجموعه بعضی از عناصر کلیدی هستند که شاید بشود گفت نماز کلیدی‌ترین این عناصر است. «الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»^۲. مؤمنان، مجاهدان راه خدا، ایثارگران طریق تحکیم معارف الهی این جوری‌اند که وقتی «ان مَکْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ»، وقتی ما اینها را در زمین متمکن کردیم، قدرت را به اینها سپردیم، خیلی کارها باید انجام بدهند: استقرار عدالت، ایجاد چه، چه، اما اول چیزی که وجود دارد: «اقاموا الصَّلَاةَ»؛ نماز را اقامه میکنند.^۳

ترویج نماز، موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی

همه بدانند که یکی از مؤثرترین راه‌ها برای کاستن آسیب‌های اجتماعی، ترویج نماز است. به اینکه حتی یک نفر از جوانان و نوجوانان کشور، در نماز

۱. پیام به اجلاس نماز ۱۳۷۷/۶/۱۸

۲. سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۱

۳. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

سهل انگاری نکند همت گمارید. این یکی از بهترین راه‌ها برای سلامت معنوی و روحی مردم ما و جامعه‌ی ما است.^۱ نماز آنگاه که با خشوع و حضور گزارده شود، جامعه را به صلاح و سداد در زبان و عمل میکشاند و اعتلاء میبخشد. بخش مهمی از گرفتاری‌ها و آلودگی‌های ما بر اثر نپرداختن به این حقیقت هشدار دهنده است. از این رو ترویج نماز با همه‌ی شیوه‌های اثرگذار، در شمار وظایف بزرگی است که همه باید بدان اهتمام ورزیم.^۲

امنیت جامعه؛ ثمره‌ی اقامه‌ی نماز

اگر نماز خواندیم، از درون انسان، از دل انسان بگیریم تا سطح جامعه و تا سطح حاکمیت بر جامعه، هرچه این جامعه بزرگ باشد، به برکت نماز امان پیدا میکند، امنیت پیدا میکند. دل انسان امنیت پیدا میکند، جسم انسان امنیت پیدا میکند، جامعه‌ی انسان امنیت پیدا میکند. نماز خاصیتش این است؛ اقامه‌ی صلاة در جامعه این است.^۳

عامل مهم انضباط و انتظام اجتماعی

نماز از آنجا که اولاً سلامت و تعالی اخلاقی و معنوی به افراد جامعه میبخشد و ثانیاً از آن رو که با شکل و محتوای ویژه‌ی خود نمازگزار را به انضباط میکشاند و از بیهودگی و ولنگاری نجات میدهد، به حق باید یکی از عوامل مهم انضباط و انتظام اجتماعی شناخته شود. اگر نماز با حضور و از سر شوق و در هنگام فضیلت در میان مردمی رواج پیدا کند، اینها دستاوردهای قطعی آن مردم خواهد بود؛ بدیهی است که نماز از سر کسالت و بی حضور و یا خودنمایانه، هیچ‌یک از این فواید را نخواهد داشت.^۴

۱. پیام به بیست و چهارمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۹۴/۱۱/۶

۲. پیام به بیست و هفتمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۹۷/۹/۱۳

۳. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

۴. پیام به نهمین سمینار نماز ۱۳۷۸/۶/۱۸

قدرت لایزال در برابر جبهه‌ی فساد

مردم ما و جامعه‌ی ما و بخصوص جوانان ما که اکنون بار امانت سنگینی را بردوش گرفته‌اند باید نماز را منبع قدرتی لایزال بدانند و در برابر جبهه‌ی فساد و بی‌عدالتی و کج‌روی که امروز بشریت را تهدید میکند، از نماز و یاد خدا نیرو بگیرند. میدان مبارزه‌ای که امروز پیش روی ما است، ما را به تکیه‌گاه مستحکم ذکر خدا و امید و اعتماد به او، بیش از همیشه و پیش از همه محتاج میسازد؛ و نماز آن سرچشمه‌ی جوشانی است که این امید و اعتماد و قدرت معنوی را به ما میبخشد.^۱

عظمت و عزت کشور در سایه‌ی قرآن و اسلام و نماز

همه‌ی خانواده‌ها و همه‌ی مردم مخصوصاً جوانان به نماز و مسجد و عبادت و جلسات قرآن اهمیت بدهند. هرچه امروز این کشور از عظمت و عزت و قدرت به دست آورده است، در سایه‌ی قرآن و اسلام و نماز و عبادت و ذکر خدا است. هم باید به درس و کار توجه شود، و هم به تدین؛ که تدین پشتوانه‌ی همه‌ی اینها است. با نماز و مسجد و عبادت و جلسات دینی و جلسات قرآن باید انس پیدا کنید.^۲

پشتوانه‌ی معنوی تمام مجاهدتها و ایثارها

نماز است که مایه‌های لازم ایثار و گذشت و توکل و تعبّد را که پشتوانه‌ی حتمی واجبات پرخطر و دشوار همچون جهاد و نهی از منکر و زکات است، در روح آدمی پدید می‌آورد و او را شجاعانه بدان میدانها گسیل میدارد. هنگامی که به خاطر هجوم دشمن، فریضه‌ی جهاد اهمیت می‌یابد، یا بر اثر دشواری زندگی قشرهایی از مردم، فریضه‌ی زکات و انفاق، همه را مخاطب

۱. پیام به اولین اجلاس سالیانه‌ی اقامه‌ی نماز در مشهد مقدّس ۱۳۷۰/۷/۱۵

۲. در جمع کثیری از مردم بخش دلوار و روستاهای تابعه ۱۳۷۰/۱۰/۱۳

میسازد، یا به اقتضای تلاش دشمن در عرصه‌ی فرهنگ و اخلاق، امر به معروف و نهی از منکر واجب همگانی میشود، در همه‌ی این شرایط، نماز، نه فقط از شأن «خیرالعملی» فرو نمی‌افتد، بلکه به مثابه‌ی پشتوانه‌ی روحی و معنوی همه‌ی مجاهدتها و ایثارها و خطرپذیری‌ها، بر اهمیّت آن افزوده میشود.^۱

حیات طیبه‌ی جامعه در گرو تحقق اقامه‌ی نماز

نماز، دری گشوده بر روی همه‌ی آحاد امت است که از آن میتوان به هدایت و رحمت خداوند رسید و زندگی را در سمت و سوی درست و سرشار از خیر و برکت قرار داد. سلامت معنوی هر فرد وابسته به نماز است و صراط مستقیم و حیات طیبه‌ی هر جامعه نیز تنها با اقامه‌ی نماز در آن تحقق می‌یابد. این همه تأکید بر اقامه‌ی نماز در کتاب و سنت، هدفی جز این ندارد که این باب رحمت بر روی فرد و جامعه‌ی مسلمان گشوده بماند و فرصت بهره‌مندی از آن دست دهد.^۲

به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی به برکت گرایش‌ات معنوی و تقیّد مردم به نماز قبل از انقلاب، زمانی یکی از نویسندگان معروف عرب به ایران آمده بود. در دیداری که باهم داشتیم، به من گفت: «من به همه‌ی کشورهای اسلامی سفر کرده‌ام؛ اما در هیچ کشوری ندیدم وقتی مردم سوار بر قطارند و به مسافرت می‌روند، به هنگام نماز، ناگهان قطار توقف کند و همه برای ادای نماز پیاده شوند.»؛ می‌گفت: «من برای اوّل بار در ایران است که شاهد چنین موضوعی هستم و در هیچ جای دیگر نظیرش را ندیده‌ام.».

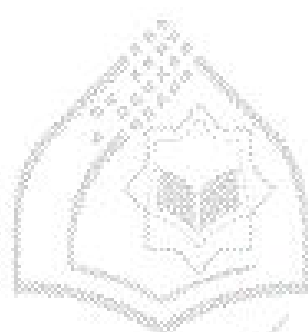
آری؛ همین گرایش معنوی و دینی بود که نقطه‌ی قوت بعدی را به وجود

۱. پیام به هفتمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۷۶/۷/۷

۲. پیام به بیست و پنجمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۹۵/۹/۱۷

آورد و آن، انجام یکی از بزرگ‌ترین آزمایشهای ملی و قیامهای شجاعانه‌ی طول تاریخ، در برهه‌ای حساس از حیات این ملت، یعنی انقلاب کبیر اسلامی ما و ایستادن پای این انقلاب و تشکیل حکومتی بر اساس این انقلاب بود که همان حکومت هم جمهوری اسلامی ایران است. اینها از برکات همان دین‌باوری است. دیدید کسانی را که ادعای آزادی خواهی و مبارزه و انقلابیگری میکردند اما ته‌وتوی وجودشان از دین بیگانه بود، چطور میان راه، سقط و زمین‌گیر شدند و به قول شماها «کُپ» کردند و نتوانستند جلو بیایند؟! اما ملت ایران، همچنان پیش رفت و پیش رفت و هنوز هم به برکت ایمان پیش میرود.^۱





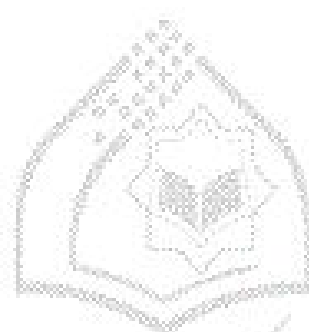
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

فصل سوم

ادب حضور

(آداب نماز)

مکتبہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند
پیشکش



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۱- حضور قلب در نماز

در نماز آنچه که مهم است و باید روی آن تکیه کرد بعد از ترویج اصل نماز - که همه را نمازخوان باید کرد و همه نمازخوان بشوند - عبارت است از توجّه در نماز؛ همان چیزی که «حضور قلب» به آن گفته میشود.^۱

۱-۱- اهمیت حضور قلب در نماز نماز با حضور قلب، هماهنگ با تمام آفرینش

[نماز با حضور قلب] نمازگزار را با همه‌ی آفرینش، هماهنگ و همسو میسازد و راه را برای تحقق سنت‌های الهی در طبیعت و تاریخ، باز میکند؛ چرا که در بینش اسلامی همه‌ی آفرینش در حال تسبیح و عبودیت حضرت حق است. «یُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»^{۲، ۳}

تربیت و تقویت روح با توجّه در انکار و معانی نماز

جسم انسان بدون ورزش، ضعیف و لاغرو بی قدرت خواهد بود. هرکسی

۱. در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز ۱۳۸۵/۶/۲۷

۲. سوره‌ی حشر، بخشی از آیه‌ی ۲۴، ترجمه: «آنچه در آسمانها و زمین است [جمله] تسبیح او میگویند.»

۳. پیام به مناسبت گردهمایی سالیانه‌ی نماز ۱۳۷۴/۶/۱۴

باشید، هرچه بنیه‌ی قوی و نیرومند داشته باشید، اگر ورزش نکردید و خوردید و خوابیدید، بدن ضعیف میماند؛ شکی در این نیست. همچنانی که اگر ورزش نکنید، بدن شما آن رشد لازم را نمیکند، زیبایی‌هایی هم دارد که ورزش آنها را آشکار خواهد کرد؛ بدون ورزش نمیشود. روح شما هم عیناً همین‌طور است. بدون ورزش، بدون تمرین و ریاضت، ممکن نیست شما قوی بشوید.

ای بسا انسانهایی هستند با جسمهای نیرومند و زیبا، ولی با روحهایی لاغر، زشت، ناتوان و ضعیف. این به درد نمیخورد. تمام عبادات برای این است که ما ورزش کنیم، تربیت بشویم و پیش برویم. البته باید عبادات را شناخت. عبادات هم جسم و روحی دارند. جسم عبادات، به تنهایی کافی نیست. نماز را که انسان بخواند، ولی در حال نماز، توجه به خود ذکر نداشته باشد، ملتفت نباشد که چه میگوید و با چه کسی حرف میزند، مضامین نماز را بکلی از روی غفلت ادا بکند، این نماز، نمازی فایده‌ای است.^۱

دل دادن به پروردگار در نماز

یک وقت انسان نماز میخواند، مثل بقیه‌ی عادات روزانه؛ مسواک میزنیم، فرض بفرمایید، ورزش میکنیم، همین جور نماز هم میخوانیم در وقت. یک وقت نه، انسان نماز میخواند، با این احساس که میخواهد حضور در محضر پروردگار پیدا کند؛ این یک جور دیگر است. ما همیشه در محضر پروردگاریم؛ خواب باشیم، بیدار باشیم، غافل باشیم، ذاکر باشیم؛ لیکن یک وقت هست که شما وضو میگیرید، تطهیر میکنید، خودتان را آماده میکنید، با طهارت جسم، با طهارت لباس، با طهارت معنوی ناشی از وضو و غسل میروید خدمت پروردگار عالم. ما در نماز باید یک چنین احساسی داشته باشیم؛ رفتیم خدمت پروردگار، عرض کردیم؛ با این حال وارد نماز باید

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم، روز سی‌ام ماه مبارک رمضان ۱۳۶۹/۲/۶

شد؛ خود را در مقابل خدا باید احساس کرد؛ مخاطب باید داشت در نماز؛ وَاَلَا صرف اینکه یک امواجی را که ناشی از کلمات و حروف است، در فضا منتشر کنیم، این آن چیزی نیست که از ما خواسته شده. میشود همین طور گفت: «الحمد لله رب العالمین. الرحمن الرحیم. مالک يوم الدين...»^۱ و امواجش را منتشر کنیم. همین را میشود با قرائت خوب هم خواند، اما بی توجه، که باز هم همان منتشر کردن امواج صوتی است در هوا. این، آن چیزی نیست که از ما خواسته شده. از ما خواسته شده که در حال نماز دلمان را ببریم به پیشگاه پروردگار؛ از دلمان حرف بزنیم، با دلمان حرف بزنیم. اینها مهم است. این را در وضع ترویج نماز، در نمازی که خود ما میخوانیم، نمازی که به دیگران تعلیم میدهیم، این نکته‌ی روح نماز را باید توجه کنیم.^۲

نماز با توجه؛ اکسیر اعظم

یکی از اهل معنا گفته بود من روزی چند هزار مرتبه فلان ذکر را بر این دل خفته‌ی غافل خودم خواندم. چه تعبیر خوبی است. نماز همان ذکر است، همان آب حیات است که انسان به دل خود میبخشد؛ نماز با توجه؛ توجه به معنا، توجه به اینکه در مقابل خدا قرار داریم. نماز را این طوری بخوانید. وقتی به نماز می‌ایستید، به یاد بیاورید که در مقابل خداوند متعال ایستاده‌اید و دارید با او حرف می‌زنید. در سرتاسر نماز سعی کنید این حالت حفظ بشود؛ آن وقت این نماز اثر میگذارد و دل انسان را مثل اکسیر عوض میکند. اکسیر ماده‌ی کیمیایی است که میگویند مس را طلا میکند. دل ما از مس هم که باشد، اکسیر ذکر آن را به طلا تبدیل میکند. این، خیلی مهم است.^۳

۱. سوره‌ی حمد، آیات ۲ الی ۴

۲. در دیدار شرکت کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

۳. در دیدار با انجمنهای اسلامی دانش آموزان سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۱۹

نماز از سر غفلت؛ عامل قساوت قلب

رحمت خدا بر مرحوم شیخ محمد بهاری که در یکی از نوشته‌هایشان می‌گویند که دعا و ذکر و شاید نماز، وقتی بی‌توجه تکرار میشود، قساوت می‌آورد! نماز می‌خوانیم، نماز مایه‌ی قساوت؛ چرا؟ چون در حال نماز حضور قلب نداریم، توجه نداریم. پس این نماز یا با توجه است، که مایه‌ی رقت و قرب و لطافت و صفا است؛ یا نماز بی‌توجه است، که آن وقت به گفته‌ی ایشان مایه‌ی قساوت قلب است.^۱

نماز بی ذکر و حضور؛ کالبدی بی روح

نماز همین بر زبان راندن کلمات و گزاردن حرکاتی معین نیست. آن همه فیض و برکت، برپدید آوردن امواج صوتی و اعمال بدنی بی‌آنکه روح ذکر و توجه در سراسر این کالبد دمیده باشد، مترتب نمی‌گردد؛ اگرچه حداقل تکلیف با آن ساقط می‌گردد. روح نماز، یاد خدا و خشوع و حضور در برابر او است و این کلمات و اعمالی که با تعلیم الهی بر مکلف، واجب گشته است بهترین قالب برای آن روح و نزدیک‌ترین راه به آن سرمنزل مقصود است. نماز بی ذکر و حضور، کالبدی بی روح است که اگرچه نام نماز بر آن، مجاز نیست، لیکن اثر و خاصیت نماز نیز از آن مترقب نیست. از این حقیقت، در آثار دینی با عنوان «قبولی نماز» سخن رفته است، و چنین آمده است که از یک نماز که تو می‌گذاری تنها هرآنچه با حضور و توجه آورده شده قبول است و بس.^۲

کم اثر بودن نماز بی توجه

نماز قالبی دارد و مضمونی؛ جسمی دارد و روحی. مواظب باشیم جسم

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران حج ۱۳۸۷/۸/۱۵

۲. پیام به اجلاس نماز ۱۳۷۲/۶/۱۶

نماز از روح نماز خالی نماند. نمیگوییم جسم بی روح نماز هیچ اثری ندارد؛ چرا، بالاخره یک اثرکی دارد؛ اما آن نمازی که اسلام و قرآن و شرع و پیغمبر و ائمه (علیهم السلام) این همه روی آن تأکید کردند، نمازی است که جسم و روحش هر دو کامل باشد. این جسم هم متناسب با همان روح فراهم شده؛ قرائت دارد، رکوع دارد، سجود دارد، به خاک افتادن دارد، دست بلند کردن دارد، بلند حرف زدن دارد، آهسته حرف زدن دارد. این تنوع برای پوشش دادن به همه‌ی آن نیازهایی است که به وسیله‌ی نماز بایستی برآورده شود که هر کدام رازی در جای خود دارد و مجموعه‌ی اینها، قالب و شکل نماز را به وجود می‌آورد. این شکل خیلی مهم است، لیکن روح این نماز توجه است؛ توجه. بدانیم چه کار داریم میکنیم. نماز بی توجه، همان طور که عرض کردم، اثرش کم است. شما از یک تکه الماس چند قیراطی خیلی ارزشمند دو جور میتوانید استفاده کنید؛ یک جور این است که مثل یک الماس، مثل یک سنگ قیمتی از آن استفاده کنید، یکی هم این است که آن را به عنوان سنگ ترازو به کار ببرید و به جای سنگ چند گرمی تو ترازو بگذارید و در مقابلش مثلاً فلفل یا زردچوبه بکشید! این هم استفاده از الماس است؛ اما چه جور استفاده‌ای؟! این مثل تضييع الماس است. البته باز هم با شکستن الماس فرق دارد؛ باز هم همین قدر، شکستن از او بدتر است؛ اما استفاده از الماس هم این نیست که آدم او را سنگ ترازو قرار بدهد و با او فلفل و زردچوبه وزن کند. با نماز مثل الماسی که سنگ ترازو کرده‌ایم، نباید رفتار کنیم. نماز خیلی ذی قیمت است.^۱

کسالت در نماز نتیجه‌ی بی توجهی و مخاطب قرار ندادن خدا

اگر خدا به من و شما توفیق بدهد، نمازی بخوانیم که با توجه باشد،

۱. در دیدار شرکت کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

خواہیم دید کہ انسان در هنگام توجّہ به نماز از نماز سیر نمیشود. انسان وقتی به نماز توجّہ پیدا کند، آن چنان لذّتی پیدا میکند کہ در هیچ یک از لذایذ مادی این لذّت وجود ندارد. این در اثر توجّہ است. بی توجّهی به نماز، کسالت در حال نماز، از خصوصیات منافقین است؛ نه اینکه حالا هرکسی در حال نماز کسالت داشت، منافق است؛ نه! خدا منافقین را در قرآن معرفی میکند و میگوید اینها را از این بشناس! در زمان پیغمبر منافقینی بودند کہ برای خاطر این و آن نماز میخواندند و در دل به نماز اعتقادی نداشتند. «واذا قاموا الى الصلوة قاموا کسالی یرائون الناس»^۱. بله، وقتی کسی طرف خطاب ندارد، با خدا حرف نمیزند، خسته میشود و برایش یک کار طولانی به نظر می آید؛ چهار رکعت نماز کہ چهار دقیقه، پنج دقیقه طول میکشد، برای او یک زمان طولانی به نظر می آید؛ در حالی کہ چهار دقیقه مگر چقدر است؟ انسان اگر در این حالت با خدا طرف خطاب بشود، آن وقت خواهد دید کہ مثل برق گذشت؛ دریغ میخورد، افسوس میخورد و دلش میخواهد طولانی تر بشود.^۲ سعی کنید نماز را از حالت کسالت آور برای خودتان خارج کنید؛ چون اگر نماز را از یک کار همین طور از حفظی و به اصطلاح حالت طوطی واری خارجش نکنیم، یک چیز کسالت آوری میشود؛ یعنی آدم باید بلند شود وضو بگیرد و برود یک کاری را کہ نمیداند چیست، انجام دهد. اما اگر معانی این کلمات را بفهمید، آن وقت خواهید دید کہ نماز اصلاً کسالت آور نیست؛ بلکه شوق آور است و انسان به سوی نماز می شتابد.^۳

۱. سوره ی نساء، بخشی از آیه ی ۱۴۲، ترجمه: «و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند؛ با مردم ریا میکنند.»

۲. در دیدار شرکت کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

۳. در دومین روز از دهه ی مبارکه ی فجر، روز انقلاب اسلامی و جوانان ۱۳۷۷/۱۱/۱۳

۱-۲- راهکارهای کسب حضور قلب در نماز

تمرین برای ایجاد حالت تمرکز در نماز

حضور قلب و توجه، کاری است که به تمرین احتیاج دارد. کسانی که این کارها را کرده‌اند و بلدند، به ما یاد می‌دهند که انسان باید در حال نماز، خود را در حضور یک مخاطب عالی‌شان و عالی‌مقام که خالق هستی است و مالک همه‌ی وجود انسان است، احساس کند. هر مقدار از نماز که توانست این حالت را داشته باشد، به تعبیر روایات، این نماز، نماز مقبول است و آن خاصیت و اثر را خواهد بخشید. و دیگر آثار نماز - که نمیشود آثار نماز را در چند جمله یا در چند فقره‌ی کوتاه خلاصه کرد - بر این مترتب میشود.^۱ اگر ترجمه‌ی نماز را بلدید، سعی کنید در حال نماز تمرکز پیدا کنید؛ این تمرکز، امر بسیار مهمی است؛ تا آنچه را بر زبان جاری میکنید «حتی تعلموا ما تقولون»؛ بفهمید چه می‌گویید. آیه‌ی قرآن است دیگر؛ می‌گوید که مست مشغول نماز نشوید - «لا تقربوا الصلاة وأنتم سكارى حتى تعلموا ما تقولون»^۲ - تا بفهمید چه می‌گویید. مشغول حرف زدن با خدایید؛ این، تمرکز می‌خواهد. حواس ما پرت میشود؛ غالباً در حال نماز، ذهنمان به جاهای دیگر میرود. باید در حال نماز، تمرکزی در خودمان ایجاد کنیم؛ اگر این تمرکز پیدا شد، قدم بعدش حضور قلب است. من عرض کنم به شما؛ پاداشی که خدا برای حفظ تمرکز و توجه به شما میدهد، حضور قلب است. اگر شما توانستید کلمات و عبارات نماز را با توجه به معانی‌اش بیان کنید، خدا پاداشی چنین نقد در دستتان می‌گذارد و آن پاداش این است که بعد از لحظاتی، در شما حضور قلب پیدا خواهد شد؛ به خدا توجه پیدا میکنید و دلتان رقیق میشود؛ گاهی اشکتان جاری میشود؛ حالت نیاز در شما پیدا

۱. در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز ۱۳۸۵/۶/۲۷

۲. سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۴۳، ترجمه: «در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه می‌گویید.»

میشود؛ و این، پاداش آن مجاهدتی است که میکنید، و مهار ذهن را محکم میچسبید که این طرف و آن طرف نرود.^۱

توجه به مخاطب بودن خدا در نماز

حضور قلب یعنی انسان از آنچه که میگوید و آنچه که در ذهنش میگذرد و برزبانیش جاری میشود، غافل نباشد؛ این جور نباشد که نفهمد. مثلاً من که حالا دارم با شما حرف میزنم، خوب، شما مخاطبید؛ انسان توجه دارد که یک مخاطبی دارد و دارد گوش میکند و دارد حرف میزند. در نماز هم همین جور باشد؛ یک مخاطبی داشته باشیم، با او حرف بزنیم. من حتی عرض میکنم اگر کسی معنای نماز را هم نداند، اصلاً هیچ نداند معنای این عبارات چیست، اما همین قدر بداند دارد با یکی حرف میزند، دارد با خدا حرف میزند، این قضیه انسان را نزدیک میکند - «قربان کل تقی»^۲ - این خودش مقرب است؛ تا اینکه حالا مثل ماها که معنایش را میدانیم و تفسیرش را میدانیم و چندین کتاب درباره اش خوانده ایم، اما وقتی که نماز میخوانیم، بالمره^۳ یادمان میروند که چه کار داریم میکنیم.^۴ هرکس بخواهد، میتواند به سمت خدا برود و با خدا خودش را آشنا و به او نزدیک کند. در نماز، انسان باید به معنای واقعی کلمه احساس کند که با یکی دارد مخاطبه میکند و حرف میزند؛ از او کمک میخواهد، به او پناه میبرد، از او استضائه^۵ میکند و رحمت و فضل و کمک او را جذب میکند.^۶

۱. در جمع مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۱/۵/۱۹

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ی ۱۳۶

۳. به یک باره، یک دفعه

۴. پس از اقامه ی نماز در جمع برخی از شخصیت های فرهنگی - سیاسی ۱۳۹۰/۱/۲۳

۵. طلب توانایی

۶. در دیدار طلاب و اساتید مدرسه ی علمیه ی آیت الله مجتهدی ۱۳۸۳/۳/۲۱

لزوم یاد گرفتن معانی اذکار نماز

نباید بگوییم که ما فارسی‌زبانیم و نمیتوانیم عبارات عربی را بفهمیم. مجموع عباراتی که در نماز خوانده میشود از اول تا به آخر یاد گرفتن آن برای آدمهای متوسط، یک ساعت هم کار ندارد؛ خیلی آسان است. کتابهایی هم نوشته شده که اینها را ترجمه کرده‌اند. اگر به معانی توجه کنید و بفهمید که مضمون این کلمات چیست و در آنها تدبّر کنید، البته بهتر است. اگر این مقدار هم ممکن نشد، حداقل وقتی در حال سجده‌اید، بدانید که با خدا حرف میزنید؛ وقتی در حال رکوعید، بدانید که پروردگار عالم را تعظیم میکنید؛ وقتی در حال قرائت و ذکر هستید، بدانید که با چه کسی حرف میزنید. نفس همین توجه، مهم است. اگر این توجه حاصل بشود و یاد خدا در نماز تأمین گردد که «وَلَذَكَرَ اللَّهُ أَكْبَرُ»^۱، این نماز برای شما «معراج المؤمن» خواهد بود و شما را عروج خواهد داد. عروج، همین است که شما در باطن خودتان، صفا و لطافت و نورانیت بیشتری را بعد از نماز احساس میکنید.^۲

۲- نماز اول وقت

کسب فضیلت اول وقت و دفع آفات تأخیر

کار درست و نیک را باید هرچه زودتر انجام بدهیم؛ مثل عبادات، مثل نماز اول وقت و مثل بقیه‌ی کارهایی که موقت^۳ است، هرچه انسان آن کار را در لحظات اول و نزدیک‌تر به آن لحظات اول انجام بدهد، این فضیلت بیشتری دارد؛ چون انسان احساس میکند تکلیف را انجام داد و در تأخیر آفتی هست؛ انسان خود را از آن آفات برکنار میدارد.^۴

۱. سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۴۵، ترجمه: «و قطعاً یاد خدا بالاتر است..»

۲. در دیدار با اقشار مختلف مردم، روز یازدهم ماه مبارک رمضان ۱۳۶۹/۱/۱۸

۳. دارای وقت معین

۴. در روز انتخابات مجلس خبرگان و شوراهای اسلامی شهرها ۱۳۸۵/۹/۲۴

ضرورت پرهیز از ترک نماز اول وقت

مؤمن هیچ کار خیری را هم از روی خجالت و حیا ترک نمی‌کند. به بعضی‌ها می‌گویند: آقا! چرا فلان جا نماز یا نافله یا نماز اول وقتتان را نخواندید؟ می‌گویند خجالت کشیدیم! نه، از روی حیا، هیچ کار نیکی را ترک نکنید. خواهند گفت متظاهر است؟ بگویند. خواهند گفت خودشیرینی میکند؟ بگویند. اگر حرفی حق است و اگر کاری خوب است، آن را به خاطر ملاحظه‌ی دیگران ترک نکنید.^۱ کار کردن در یک کارگاه علمی، کارگاه آموزشی، مرکز تحقیقات، فلان کلاس درس و فلان دانشگاه، هیچ منافاتی با این ندارد که انسان نمازش را اول وقت، با توجه و با احساس حضور در مقابل خداوند به جا آورد. این، دل شما را شستشو می‌دهد.^۲

اقامه‌ی نماز اول وقت در ادارات

دیانت را در محیط کار خودتان زنده کنید. من به ارتشی‌ها هم این را گفتم؛ به ادارات هم این را عرض می‌کنم؛ به دانشگاهی‌ها از دانشجو و استاد هم این را گفتم؛ محیط را محیط دینی کنید. این بد است که در اداره‌ای نمازخانه باشد و شما که رئیس اداره هستید در آن حضور پیدا نکنید. بروید نماز را در نمازخانه بخوانید. نماز را که باید خواند؛ اول وقت که بهتر از ثانی وقت است؛ به جماعت که بهتر از تنها است؛ نماز فریضه، که در ملا بهتر است تا در خلوت. بله، نماز نافله و اینها را در خلوت می‌خوانند؛ اما نماز فریضه را باید در ملا بخوانند. شما اول ظهر فقط ده دقیقه از اتاقتان بیرون بیایید؛ قبلاً وضو بگیرید و آماده شوید. البته من با آن روشی هم که چند سال قبل از این بود، همان وقت هم مخالف بودم؛ حالا هم هر کس استفتاء و سؤال میکند، می‌گویم آن روش را قبول ندارم که گویا حالا زنگ

۱. خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۸/۵/۸

۲. در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۵/۶/۲۵

تفریح است؛ آقایان از اتاقها بیرون بیایند، بگویند، بخندند، سیگار بکشند؛ یواش یواش بروند دستشویی، یواش یواش وضو بگیرند؛ یک ساعت وقت مردم را تلف کنند که میخواهند چهار رکعت نماز بخوانند! من، با این مخالفم... خودشان را آماده کنند؛ قبلاً وضو بگیرند، آماده شوند؛ اول وقت نماز که شد، بروند توی مسجد، بلافاصله نماز بخوانند. نماز ظهر و عصر، حداکثر یک ربع ساعت طول میکشد؛ یک ربع بعد، بیایند در اتاقهایشان. اول کسی هم که میرود، شما باشید که رئیسید؛ این، خیلی خوب است. محیط ادارات ما، باید محیط دینی و اسلامی شود.^۱

۳- اخلاص

یکی از ویژگی‌ها که بسیار مهم است تا برای خودسازی به آن توجه کنیم و شاید جنبه‌ی تقدیمی هم داشته باشد، «اخلاص» است. اخلاص عبارت است از کار را خالص انجام دادن و اینکه کاری را مغشوش انجام ندهیم. گاهی هست که کسی عبادت نمیکند و گاهی عبادت میکند، اما مغشوش و ناخالص؛ این هم مثل آن است. خالص بودن عبادت و خالص بودن عمل، این است که برای خدا باشد. در بین مردم، متأسفانه خیلی رایج است که کارهای خوب خودشان را بر زبان بیاورند و بگویند؛ کأنه توجه ندارند که نباید کار نیک را به زبان آورد و گفت که ما میخواهیم این کار را بکنیم یا ما این کارها را میکنیم. البته برخی جاها استثنا است. در جاهایی، بعضی از کارها باید در علن انجام گیرد. در روایات در باب صدقه، آمده است که «صدقه‌ی سر» این ثواب را دارد و «صدقه‌ی علانیه»^۲ این ثواب را. یا مثلاً عبادات گروهی، جلوی چشم مردم انجام میگیرد و باید انجام گیرد؛ و این از شعائر الهی است. اما بسیاری از عبادات یا اغلب

۱. در دیدار مسئولان آذربایجان شرقی ۱۳۷۲/۵/۷

۲. آشکار

عبادات، آن روابطی که بین خود انسان و خدا است - ذکر، توجه، دعا، نافله، شب زنده داری، سحرخیزی، احسان و کارهای نیک - باید بین خود انسان و خدا بماند. مبدا انسان به خاطر اینکه دیگران ببینند، کاری را انجام دهد! کاری که انسان به خاطر توجه دیگران به خودش انجام دهد، از نکردن آن کار بدتر است؛ زیرا نکردن کار، یعنی انسان کاری را انجام نمیدهد. کاری که انسان برای جلب توجه دیگران نسبت به خودش انجام داده، کأنه انجام نداده است. البته بدتر بودنش هم از این جهت است که عمل شرک‌آلودی انجام داده و این عمل شرک‌آلود، فعل حرام است و دورکننده است. بنابراین همه مان در هر جا و در هر موقعیتی که هستیم، باید خیلی تلاش کنیم که کار را خالص انجام دهیم.^۱

یک رکعت برابر با هزاران نماز

از پیغمبر اکرم (صلوات الله و سلامه علیه و آله) نقل شده است که فرمود: «إِنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِّقَةً»؛ هر چیزی دارای حقیقتی است و یک روح و یک معنا و یک حقیقت دارد. «وَمَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِخْلَاصِ»؛ بنده به حقیقت اخلاص و به آن معنای حقیقی اخلاص نمیرسد. «حَتَّى لَا يَحِبَّ أَنْ يَحْمَدَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ عَمَلٍ لِلَّهِ»^۲؛ (این خیلی سخت است؛ این، مرتبه‌اش از آن مراتب بسیار بالا است.) مگر اینکه دوست نداشته باشد که مردم او را برای هیچ‌یک از کارهایی که برای خدا انجام میدهد، ستایش کنند. مثلاً فردی است که کار را برای دیگران انجام نمیدهد؛ برای خاطر خدا نماز میخواند، ختم قرآن میگیرد، کار خیری انجام میدهد، احسان و کمک و صدقه‌ای میدهد و مجاهدتی برای خدا میکند؛ اما دوست میدارد که مردم بگویند: «ایشان چقدر آدم خوبی است».؛ کارش را برای مردم نکرده است؛ کار را برای خدا

۱. در روز اول ماه مبارک رمضان ۱۳۷۱/۱۲/۴

۲. بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، ج ۶۹، ص ۳۰۴

انجام داده و تمام شده؛ اما از مدح مردم و از اینکه مردم از او تعریف کنند، خوشش می‌آید. می‌فرماید این، آن مرتبه‌ی عالی اخلاص نیست. مرتبه‌ی عالی اخلاص این است که این را هم دوست نداشته باشد. اصلاً کاری به کار مردم نداشته باشد! می‌خواهد بداند، می‌خواهد نداند؛ می‌خواهد خوششان بیاید، می‌خواهد خوششان نیاید. نگاه کند ببیند خدا از او چه خواسته است و دقیقاً آن را انجام دهد.

...خدای متعال می‌گوید: «اگر به بنده‌ی مخلص یا مخلص، همه‌ی دنیا را هم بدهم، حق او ادا نشده است.»؛ بنابراین، جزای او متناسب با عملی که انجام می‌دهد، نیست. یک نماز او برابر هزاران نمازی است که بندگان خوب خدا بخوانند.^۲

نماز با اخلاص؛ بالاترین عبادتها

نمازی که انسان می‌خواند، اگر به قصد تقرب به خدا بخواند، توجهش به خدا باشد، با اخلاص نماز بخواند، این بالاترین عبادتها است؛ اگر همین نماز را برای ریا بخواند، این نماز می‌شود معصیت و خود آن نماز، می‌شود گناه. ریا، گناه کبیره است؛ مصداقش هم می‌شود همان نمازی که از روی ریا خوانده شد.^۳

دعا؛ درمان درد بزرگ بی‌اخلاصی

با خدا سخن گفتن و خود را نزدیک او دیدن، به انسان روح اخلاص

۱. «عن العسکری (ع) قال: لو جعلت الدنيا كلها لقمة واحدة ثم لقمتها من يعبد الله خالصاً لرأيت أنني مقصّر في حقّه»؛ ترجمه: «اگر تمام دنیا به صورت یک لقمه‌ای شود و من آن را بدهم به کسی که با اخلاص کامل خدا را عبادت مینماید باز هم میبینم خود را که در ایفای حق چنین بنده‌ای کوتاهی کرده باشم.» بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، ج ۶۷، ص ۲۵۰

۲. در روز اول ماه مبارک رمضان ۱۳۷۱/۱۲/۴

۳. در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۱۳۸۷/۶/۵

میده‌د. اخلاص یعنی کار را برای خدا انجام دادن. همه‌ی کارها را میشود برای خدا انجام داد. بندگان خوب خدا همه‌ی کارهای معمولی روزمره‌ی زندگی را هم با نیت تقرب به خدا انجام میدهند و میتوانند. بعضی هم هستند که حتی قریب‌ترین و عبادی‌ترین کارها - مثل نماز - را نمیتوانند برای خدا انجام دهند. بی‌اخلاصی، درد بزرگی برای انسان است. دعا روح اخلاص را در انسان میدمد.^۱

۴- خشوع

چهارمین از وصیّتی که نبی مکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به امیرالمؤمنین فرمودند این است: «کثرة البكاء من خشية الله تعالى»^۲؛ کثرت بکاء، زیاد گریستن، از خشیت الهی است. بچ گریستن یک حالتی است در انسان که معلول یک فعل و انفعالات درونی است. گریه کردن به‌زور یا امکان ندارد، اگر فرض کنیم که آن‌هم ناشی از فعل و انفعالات درونی نیست، این نوع گریه کردن فایده ندارد. آن گریه‌ای که ناشی باشد از تصوّر یک حقیقتی که مهم‌ترین این حقایق این است که انسان خود را در مقابل خدای متعال احساس کند و از عظمت الهی، از کبریای الهی در او حالتی از خضوع و خشوع و تذلل به‌وجود بیاید که موجب بشود اشک انسان جاری شود. آن حالت دگرگونی قلبی در انسان که موجب میشود اشک جاری شود، این را باید انسان به‌وجود بیاورد. راه آن‌هم همین توجه به خدای متعال است. در نماز، در دعا، اگر چنانچه انسان احساس کند که در مقابل خدای متعال قرار گرفته است این احساس حضور در محضر الهی انسان را متغیّر میکند، اشک را جاری میکند. حضور قلب در نماز خاصیتش این است. حضور قلب هم البته فقط این نیست که انسان کلمات نماز را در ذهن خودش

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۴/۷/۲۹

۲. کافی، ج ۸، ص ۷۹

معنا کند بلکه احساس حضور در مقابل پروردگار بکند و احساس اینکه دارد با خدای متعال حرف میزند. این احساس است که در انسان حالت خشوع را به وجود می‌آورد و این حالت خشوع منتهی میشود به بکاء؛ غالباً این جور است. بزرگان این جور توصیه میکردند که آنچه مهم است این است که توجه کنید تعمّد در خروج از حضور در نماز حاصل نشود؛ یعنی عمداً ذهنتان را به جایی نبرید. گاهی اوقات انسان در حال نماز به طور طبیعی از حالت توجه بیرون می‌آید که خیلی از اوقات اختیاری نیست. البته اگر انسان بتواند از تفرّق ذهن خودش در اوقات شبانه روز مانع بشود و متوجه و متذکّر الهی باشد، این حالت ذکر در نماز بیشتر برای انسان فراهم شد. طبعاً در حال نماز، عطف توجه از نماز و توجه الی الله برای ما حاصل میشود. خب! به مجرد اینکه توجه کردیم که ذهن ما منحرف شده، ذهن را برگردانیم به سمت حضور؛ همین مطلوب است که بزرگان این جوری به ما و امثال ما توصیه میکردند. به هر حال اگر چنانچه این حالت توجه به وجود بیاید، آن وقت دنباله‌اش این بکاء هم هست. این قهری است! این حالت بکاء - که ناشی از آن خشیت است - به طور طبیعی عارض میشود.^۱

۵- صحیح خواندن نماز

واجب است که همه‌ی ذکرهای واجب نماز از قبیل قرائت حمد و سوره و غیر آنها به طور صحیح قرائت شود و اگر نمازگزار کیفیت صحیح تلفظ کلمات عربی را نمیداند، واجب است که یاد بگیرد و اگر قادر به یادگیری نیست، معذور است.^۲ بعضی‌ها در تقلید زبانهای خارجی مقیدند که حتماً لهجه را رعایت کنند که البته این لازم هم است؛ بالاخره اگر شما بخواهید با کسی به زبان انگلیسی یا عربی حرف بزنید، نمیشود مثل همان

۱. حدیث اخلاقی در ابتدای درس خارج ۱/۵/۱۳۹۲

۲. اجوبه الاستفتائات، مسئله‌ی ۴۶۷

لهجه‌ی فارسی با او حرف بزنید؛ باید به لهجه‌ی خودش باشد؛ اما وقتی به نماز و قرآن میرسند، متأسفانه وسوسه‌شان میگیرد و میگویند چه لزومی دارد که ما این «و لا الضَّالِّین» را مَد بدهیم؛ همین‌طور مثل سایر کلمات به صورت عادی ادا کنیم! اینها غافل از این هستند که این «و لا الضَّالِّین» بدون مَد، آن چیزی نیست که نازل شده است؛ اصلاً «و لا الضَّالِّین» با مَد نازل شده است. اصول زبان این را به ما دیکته میکند که این‌طوری بگوییم؛ اگر این‌طوری نگفتیم، مثل این است که اصلاً آن را نگفته‌ایم!

۶- سبک نشمردن نماز

صرف وقت برای نماز، حداقل به اندازه‌ی کارهای دیگر

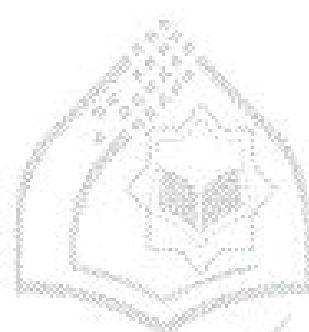
امام صادق (علیه‌السلام) در بیماری رحلت به وصی‌شان میفرمایند که: «لیس منی من استخفَّ بالصلوة»^۱؛ از ما نیست کسی که نماز را سبک بشمارد. استخفاف یعنی سبک شمردن، کم‌اهمیت شمردن. حالا این نماز با همه‌ی این خصوصیات، با همه‌ی این فضایل، چقدر از انسان وقت میگیرد؟ نماز واجب ما - این هفده رکعت - اگر انسان بخواهد با دقت و با قدری ملاحظه بخواند، فرض کنید ۳۴ دقیقه وقت میگیرد، و آلا کمتر وقت خواهد گرفت. ما گاهی اوقات میشود که پای تلویزیون در انتظار برنامه‌ای که مورد علاقه‌ی ما است نشسته‌ایم و قبل از آن، دائم تبلیغات، تبلیغات، تبلیغات - بیست دقیقه، پانزده دقیقه - که هیچ‌کدام هم به درد ما نمی‌خورد، می‌نشینیم گوش میکنیم و بیست دقیقه وقتمان را از دست میدهیم، برای خاطر آن برنامه‌ای که میخواهیم. بیست دقیقه‌های زندگی ما این‌جوری است. منتظر تا کسی میشود، منتظر اتوبوس میشود، منتظر رفیقمان میشودیم که بیاید جایی برویم، منتظر استاد میشودیم که سر کلاس دیر کرده، منتظر منبری میشودیم که

۱. در دیدار با اعضای گروه ویژه و گروه معارف اسلامی صدای جمهوری اسلامی ایران ۱۳/۱۲/۱۳۷۰

۲. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۵۶

دیر به مجلس رسیده؛ همه‌ی اینها - ده دقیقه، پانزده دقیقه، بیست دقیقه - به هدر می‌رود. خب، این ۲۰ دقیقه و ۲۵ دقیقه و ۳۰ دقیقه را برای نماز - این عمل راقی، این عمل بزرگ - مصرف کردن مگر چه قدر اهمّیت دارد.^۱



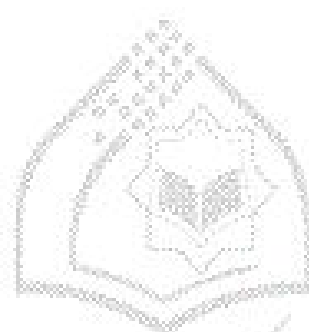


سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

فصل چہارم

شوق وصال
(اہمیت و جایگاہ نوافل و مستحبات)

مرکز تحقیقات اسلامی و اسلامیات
پیشہ ورانہ تعلیم و تربیت
اسلام آباد



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

تأثیر مستحبات نماز در ایجاد حضور قلب

در روایات برای حالات مختلف نماز یک خصوصیتی را گذاشتند؛ واجب نیست، مستحب است. در وقت ایستادن به کجا نگاه کنید؛ در وقت سجده کردن به کجا نگاه کنید؛ در وقت رکوع، بعضی از روایات دارد، چشمتان را ببندید؛ بعضی روایات دارد به جلو نگاه کنید؛ این خصوصیات همه کمک میکند به آن حالت حضور و توجهی که برای انسان لازم است.^۱

انجام صحیح نماز فریضه؛ زمینه ساز اشتیاق به نوافل

بعضی‌ها دنبال برخی از خصوصیاتند؛ کسی را پیدا کنند، از او ذکری بگیرند، از او ریاضتی فراگیرند. اینها لازم نیست؛ ریاضت شرعی، مشخص است. اگر همین نمازها را بخوانیم، درست بخوانیم، به وقت بخوانیم، ارکانش را درست به جا بیاوریم، با توجه بخوانیم، یا روزه را درست بگیریم - همین واجبات و فرایضی که در اختیار ما است - همینها انسان را پرواز میدهد.

و من به شما عرض بکنم؛ ما اگر چنانچه همین مقدار را انجام دهیم،

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

خود این زمینه‌ای خواهد شد برای جذب انوار الهی به میزان زیاد؛ یعنی این حدّ اقلّی که برای ما لازم است، هنرش فقط این نیست که ما را قادر خواهد کرد بر اینکه این راه را طی کنیم؛ بلکه هنر دیگرش این است که زمینه‌ی ما را برای جذب بیشتر نور الهی و تفضّل الهی فراهم خواهد کرد. وقتی انسان نماز فریضه را خوب بخواند، به طور طبیعی میل به نوافل پیدا خواهد کرد. وقتی انسان از دروغ، از غیبت، از قول به غیر علم، از تهمت، از افساد، از مال مردم خوری، از خیانت در امانت پرهیز کند، خود این، دل انسان را آماده‌ی تلقّی هدایت الهی و معرفت الهی خواهد کرد؛ ما را پیش خواهد برد.^۱

توصیه به نماز شب برای تحمّل بار سنگین مسئولیت

حضرت حق، به پیغمبر و عزیز و حبیب خودش که برترین انسانها در طول تاریخ، از اوّلین و آخرین بود، خطاب فرمود که نماز شب را بخوان؛ نیمه شب برخیز، ارتباط و اتصال خود را مستحکم کن؛ چون کار سنگینی در پیش داری. «انا سنلّٰقِ علیک قولاً ثقیلاً»^۲؛ تحمّل این بار، سخت است. آنانی که در وسط این راهِ پر دشمن و شیطان، لرزیدند، لغزیدند، منصرف شدند، به دشمن پیوستند، یا به آفات دیگر مبتلا شدند، اینجای کارشان - معنویت - عیب داشته است.^۳ اینکه در گذشته برخی از رؤسای مدارس، سحر میرفتند، نگاه میکردند ببینند کدام یک از طلبه‌ها دارد نماز شب میخواند و کدام نمیخواند، یعنی مراقبت میکردند که طلبه حتّی المقدور از نماز شب محروم نماند، خیلی حرف پُر معنایی است. البتّه آن روز این

۱. در آخرین دیدار رئیس جمهور و هیئت دولت دهم در روز پنجم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۴

۱۳۹۲/۴/۲۳

۲. سوره‌ی مزمل، آیه‌ی ۵، ترجمه: «در حقیقت ما به زودی بر تو گفتاری گران بار القا میکنیم.»

۳. در دیدار روحانیون و طلاب ایرانی و خارجی در صحن مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم ۱۳۷۴/۹/۱۶

کار آسان تر بود؛ امروز با تلویزیون و سریالهای تلویزیونی و از این حرفها، کار مشکل است؛ اما این کار مشکل را باید شما انجام بدهید.^۱

صفای روح و دل؛ تنها به وسیله‌ی نماز و ذکر و توسل

تا آنجایی که میتوانید، به نماز و توجه و ذکر در نماز و به نوافل اهمّیت دهید. خدای متعال به پیغمبر اکرم میفرماید: «قُم اللَّيْلُ أَقْلِيلًا نَصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا» انا سنلقی علیک قولاً ثقیلاً^۲؛ یعنی نصف شب را بیدار بمان، یا دو ثلث شب را بیدار بمان و عبادت کن - که این برای پیغمبر است؛ من و شما خیلی دهنمان میچاید که از این حرفها برای خودمان بزنیم - چرا؟ «انا سنلقی علیک قولاً ثقیلاً»؛ ما میخواهیم سخن سنگینی را به تو القا کنیم؛ میخواهیم حرف بزرگی را به تو بزنیم؛ بنابراین باید خودت را آماده کنی.

بار سنگین احتیاج به آمادگی روحی دارد؛ این آمادگی روحی هم همین‌طوری به دست نمی‌آید. اینکه ما بگوییم آقا برو دلت را صاف کن، بله، اساس همان صاف کردن دل است؛ اما صاف کردن دل فقط از راه نماز، از راه توسل، از راه توجه و از راه ذکر به دست می‌آید.

اگر کسی خیال کند که میتواند دل و روح را بدون اینها صاف کرد، سخت در اشتباه است. از راه گریه‌ی نیمه‌شب، از راه خواندن قرآن با تدبّر و با دقّت، از راه خواندن ادعیه‌ی صحیفه‌ی سجّادیه، دل انسان صاف میشود؛ و الاّ این‌طوری نیست که بگوییم آقا برو دلت را صاف کن؛ هر کاری هم کردی، کردی.^۳

۱. در دیدار مدیران، مدرّسان و طلاب حوزه‌های علمیه‌ی استان تهران ۱۳۹۶/۶/۶

۲. سوره‌ی مزمل، آیات ۲ الی ۵، ترجمه: «به پا خیز شب را مگر اندکی، نیمی از شب یا اندکی از آن را بکاه. یا بر آن [نصف] بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان. درحقیقت ما به‌زودی بر تو گفتاری گران بار القا میکنیم.»

۳. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۶/۸

تا آنجا که میتوانید نماز شب بخوانید!

هرچه میتوانید خودتان را بسازید؛ هم از لحاظ فکری بسازید، هم از لحاظ ایمانی بسازید؛ هم فکر را درست کنید، هم ایمان و دل را درست کنید؛ با خدا انس داشته باشید؛ اگر میتوانید، تا آنجایی که میتوانید، نماز شب بخوانید.^۱

نماز شب دورکننده‌ی گناهان

«قال: قال الصادق (عليه السلام) في قوله تعالى: «انَّ الحَسَنَاتِ يَذهِبْنَ الشَّيْئَاتِ»^۲؛ خب، این دیگر آیه‌ی قرآن است و جای تردیدی نیست؛ پس اجمالاً معلوم میشود که حسناتی هست که سیئات را از بین میبرد؛ نه اینکه همه‌ی حسنات این خصوصیت را دارند که همه‌ی سیئات را از بین ببرند! ظاهر کلام این است که طبیعت حسنات - [چون] این «الف» و «لام»، «الف» و «لام» استغراق نیست - طبیعت سیئات را از بین میبرد؛ که این، تطبیق میکند با این که بعضی از حسنات، بعضی از سیئات را از بین میبرند. خب، حالا کدام حسنات؟ اینجا حضرت تبصیر^۳ کردند:

«قال: صلاة الليل تذهب بذنوب النهار»^۴؛ وقتی شما نماز شب میخوانید، گناهانی را که در روز انجام داده‌اید، آنها را از بین میبرد؛ چه چیزی از این بهتر؟ اینکه اهل معنا و اهل معرفت و اهل سلوک، نماز شب را گنجینه و ذخیره‌ی تمام نشدنی‌ای میدانند، به خاطر این است. این حالا جنبه‌ی اخروی نماز شب است که گناهان را از بین میبرد؛ البتّه، گناهان آثار دنیوی

۱. خطاب به جوانان حاضر در دیدار با خانواده‌ی شهید بیلاقی ۱۳۹۶/۱۰/۲۴

۲. سوره‌ی هود، بخشی از آیه‌ی ۱۱۴

۳. روشن کردن، توضیح دادن

۴. امالی طوسی، مجلس یازدهم، ص ۲۹۴؛ «امام صادق (ع) براساس فرموده‌ی خدا که همانا خوبی‌ها از بین برنده‌ی بدی‌ها است فرمود: نماز شب از بین برنده‌ی گناهانی است که در روز مرتکب شده‌ایم.»

هم دارند، آثار اخروی هم دارند؛ وقتی گناهان را از بین میبرد، یعنی آثار سوء دنیوی گناهان را هم از بین میبرد. ولی خب، ناظر به جنبه‌ی گناه است؛ یعنی جنبه‌ی امر اخروی، امر مربوط به آخرت. لکن در مورد مسائل دنیا هم همین جور است؛ در روایاتی دارد که موجب گشایش رزق میشود - که این امر دنیوی است - و فواید فراوان دیگری.

... ماها در روز، دائم مشغولیم دیگر؛ یعنی در واقع به یک معنا مشغول به کارهای دنیا؛ حالا بستگی به نیت‌های ما دارد. اشتغالات ما، نوع اشتغالات دنیایی است، ولو حالا کسی نیتش خالص باشد، قصد خدا هم بکند - اگر خدا یک چنین قصدی به ماها بدهد - لکن مخاطبات ما، مخاطبات دنیایی است؛ با مردم مواجهیم، با دنیا مواجهیم، با حوادث مواجهیم، فرصتی برای خالی گذاشتن وقت و خلوت کردن با خدا در روز واقعاً دست نمیدهد، امکان ندارد؛ مگر حالا آن کسانی که اهل نماز دائمند - خوشا آنان که دائم در نمازند -^۱ که در همه‌ی حالات با خدا هستند. لکن به طور معمول ماها، امثال بنده در روز مشغولیم دیگر، ما وقتی نداریم که با خدا خلوت کنیم؛ سحر وقت خلوت با خدا است. این وقت را، این فرصت را غنیمت باید بشمریم؛ بخصوص شماها که جوان هستید، بخصوص جوانها؛ البته همه، لکن جوانها بیشتر شایستگی دارند چون تأثرشان بیشتر است، بهتر است؛ همچنان که اگر ورزش بکنیم، شما که جوان هستید از ورزش سود بیشتری میبرید تا ما که در سنین بالا هستیم؛ این جوری است دیگر. اگر یک پیر همان ورزشی را بکند - و بتواند بکند - که یک جوان میکند، سودی که آن جوان میبرد خیلی بیشتر از سودی است که آن پیر میبرد؛ اگر غذای مقوی‌ای شما بخورید یا یک پیرمرد مثل بنده توفیق پیدا کند بخورد، آن سودی که شما از این غذای مقوی میبرید، بمراتب بیشتر

۱. «خوشا آنان که دائم در نمازند»

بهشت جاودان بازارشان بی»

(باباطاهر عریان همدانی، ۳۲۶ ه.ق)

است از آن [سودی] که یک پیرمرد [میبرد]. معنویات هم همین جور است، تغذیه‌ی معنوی هم همین جور است: تلاوت قرآن، ذکر الهی، توجه به خدا، استغاثه، استغفار، نماز و نماز شب.^۱

فضیلت نماز جعفر طیار (علیه السلام)

«لما قدم جعفر بن ابی طالب (علیه السلام)» [امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: وقتی جعفر (علیه السلام)] از حبشه بعد از سالها که در هجرت حبشه بود - و چه خدمات و چه زحمات و چه سختی‌هایی در آنجا کشیده بود - در سال ششم، ظاهراً بعد از فتح خیبر برگشت، «تلقاه رسول الله (صلی الله علیه وآله) و قبل بین عینیه» پیغمبر که به جعفر خیلی هم علاقه داشتند، با او ملاقات کردند و پیشانی او را بوسیدند. «فلما جلسنا [قال رسول الله:] الا اعطیک؟ الا امنحک؟ الا احبک؟» [وقتی] نشستیم، حضرت به عنوان تشویق جعفر فرمودند: چطور است یک چیزی به تو بدهم؛ چطور است یک تفضلی به تو بکنم؛ چطور است یک هدیه‌ای به تو بدهم. خب حالا حضرت می‌خواهند به این پسر عموی عزیز مجاهد زحمت‌کش خودشان که سالها رفته در غربت زندگی کرده و اسلام را ترویج کرده و پادشاه آنجا را مسلمان کرده، یک چیزی بدهند؛ خب چه چیزی؟ حضرت دست کنند [در کیسه‌ای] مثلاً پنجاه سکه‌ی بهار آزادی [بدهند] و بگویند این مال تو؟ «قال: بلی یا رسول الله» [گفت:] خب بله، لطف کنید. او خوشحال شد که یک چیزی پیغمبر می‌خواهند به عنوان پاداش به او هدیه بدهند. «فقال (صلی الله علیه وآله): تصلی اربع رکعاتٍ تقرأ فی کل رکعةٍ سورة الحمد و سورة» [حضرت] نماز جعفر را به او یاد دادند. ببینید؛ ارزشها اینها است. ما شاخصها را خیلی اوقات گم میکنیم. [پیامبر فرمود:] چهار رکعت نماز می‌خوانی؛ یک سوره‌ای بعد از حمد بخوانی.

در این روایت آن سوره‌ی «إذا زلزلت»^۱ و سوره‌ی مبارکه‌ی «والعادیات ضحی»^۲ و سوره‌ی «إذا جاء نصر الله»^۳ و «قل هو الله»^۴ ندارد. اینکه به اصطلاح در مآثور هست که این چهار سوره را بخوانند، در اینجا نیست. «ثم تقول: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله والله اكبر؛ خمس عشرة مرة؛ پانزده مرتبه بعد از قرائت [این ذکر - سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله والله اكبر - را می‌گویی]. «ثم ترکع فتقول هذا التسبیح عشر»؛ ده بار در رکوع [این تسبیح - سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله والله اكبر - را می‌گویی]. «ثم ترفع رأسك فتقول عشر مرات؛ و ده بار بعد از اینکه از رکوع سر بلند کردی [این ذکر - سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله والله اكبر - را می‌گویی]. «ثم تسجد فتقول عشرًا ثم ترفع رأسك فتقول عشرًا ثم تقوم الى الركعة الثانية فتفعل مثل ذلك. فذلك خمس وسبعون مرة في كل ركعة؛ هر رکعتی ۷۵ مرتبه «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله والله اكبر». چهار رکعت است که در چهار رکعت، مجموعاً سیصد مرتبه میشود. «فان استطعت ان تصلیها كل يوم فافعل؛ اگر طاقت این را داری و وقتش را داری که هر روز بخوانی این را، بخوان. «فان لم تستطع ففي كل جمعة؛ [اگر طاقت آن را نداری، پس در هر جمعه این را بخوان.] که دیده‌اید مرحوم حاج شیخ عباس در مفاتیح، نماز جعفر را جزو نمازهای روز جمعه ذکر میکنند که به طور خاص، مستحب است. «فان لم تستطع ففي كل شهر؛ فان لم تستطع ففي كل سنة؛ [پس اگر طاقت آن را نداری، هر ماه به جا بیاور و اگر طاقت آن را هم نداری،] سالی یک بار اقلًا نماز جعفر را بخوانید. «فان لم تستطع ففي عمرک مرة»^۵؛ [اگر طاقت آن را نداری،] در طول عمرت، یک بار این را بخوان. این هدیه‌ی پیغمبر است.^۶

۱. سوره‌ی زلزال، بخشی از آیه‌ی ۱

۲. سوره‌ی عادیات، آیه‌ی ۱

۳. سوره‌ی نصر، بخشی از آیه‌ی ۱

۴. سوره‌ی اخلاص، بخشی از آیه‌ی ۱

۵. النوادر (للراوندي)، ج ۱، ص ۲۸

۶. نسیم سحر، انتشارات انقلاب اسلامی، ص ۲۲۷

استفاده از فرصت ماه مبارک رمضان برای ادای نمازهای نافله

این نوافل ۳۴ رکعتی که برای نمازهای روز و شب وارد شده است، بسیار باارزش است. ماه رمضان فرصت خوبی است. ما غالباً اهل نوافل نیستیم. ولی ماه رمضان که میشود، چه مانعی دارد؟ کدام کار با دهان روزه، بهتر از نماز خواندن؟ چهار رکعت نماز ظهر است، قبل از این چهار رکعت، هشت رکعت نافله دارد؛ چهار دو رکعتی. چهار رکعت نماز عصر است و قبل از این چهار رکعت، هشت رکعت نافله‌ی نماز عصر است. این نوافل را بخوانید. همچنین نوافل مغرب را که از اینها مهم‌تر است؛ و نیز نوافل شب که یازده رکعت است. همچنین نافله‌ی صبح که دو رکعت است. کسانی هستند که در ایام معمولی سال، برایشان مشکل است پیش از اذان صبح برای نماز شب بیدار شوند؛ ولی در این شبها، به طور قهری و طبیعی بیدار میشوند. این یک توفیق الهی است؛ چرا از این توفیق استفاده نکنیم؟ ان شاء الله فرصتهای ماه رمضان را مغتنم بشمارید.^۱

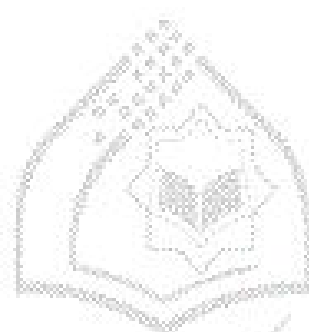
از مجتهدان کبیر علم و سیرت

فصل پنجم

ستون خیمه‌ی دین

(رسالت مؤمنان در اقامه‌ی فرهنگ نماز)

موسسه فرهنگی و پژوهشی
پیشگامان اسلام



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

اقامه‌ی نماز؛ نشانه‌ی مؤمنان

[نشانه‌ی] مؤمنان، اقامه‌ی نماز است: «وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ»^۱. آیه از تعبیر «یقیمون»، به معنای اقامه و به‌پا داشتن، استفاده کرده که متفاوت از تعبیر «يُصَلُّونَ»، به معنای نماز گزاردن است. شاید دلیل استفاده از این تعبیر یکی از این جهات باشد: نخست آنکه اقامه‌ی نماز، به معنای به‌جا آوردن نماز به‌صورتی است که باید باشد؛ یعنی مؤمنان نماز را «علی وجهها» به‌جا می‌آورند، وَاَلَا مُنَافِقٌ هُم نِمَاز مِیْخَوَند و گاهی ظاهر نماز منافق از مؤمن هم، بهتر است و با خضوع نماز می‌خوانند، اما روح و مغز ندارد.

جهت دیگر این است؛ مراد از «وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ» به‌جا آوردن نماز در اجتماع باشد؛ یعنی نه فقط خودشان نماز می‌خوانند، بلکه اجتماع را به نماز وامیدارند و سعی می‌کنند همه‌ی مردم به نماز رو آورند.^۲

معنای حقیقی به‌پا داشتن نماز

به‌پا داشتن نماز غیر از گزاردن نماز است و متأسفانه در بعضی از ترجمه‌ها مشاهده می‌شود مینویسند: «و نماز می‌گزارند»، درحالی‌که نماز

۱. سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۳

۲. تفسیر سوره‌ی براءت، انتشارات انقلاب اسلامی، ص ۴۸۷

گزاردن در عربی میشود «یصلّون» و «یقیمون الصّلاة» یعنی نماز را به پا میدارند؛ پس به پا داشتن نماز چیزی بیش از گزاردن نماز است، که البتّه نماز گزاردن را هم شامل میشود؛ یعنی اگر شما بخواهید جزو نماز به پادارندگان باشید نمیتوانید نماز گزاردن را ترک کنید. به پا داشتن نماز، یعنی در محیط و در جامعه این واجب و این حقیقت لطیف را به وجود آوردن و محیط را محیط نماز کردن و دیگری را به نماز دعوت کردن و نماز را با توجّه ادا کردن، و مفاهیم نماز را در زندگی تحقّق بخشیدن است.^۱

اقامه‌ی جامعه‌ی توحیدی به وسیله‌ی نماز

برای حرکت در این میدان آنچه که بیش از همه لازم است، دو چیز است: یکی انگیزه، آن نیروی درونی که انسان را حرکت بدهد و راه ببرد؛ دیگر، آن قطب‌نمایی که انسان، آن ستاره‌ی راهنما را فراموش نکند و جهت‌ش کج نشود. اگر انگیزه نبود، انسان وسط راه میماند؛ مشکلات زیاد است. اقامه‌ی جامعه‌ی توحیدی، اقامه‌ی عدل در میان بشر، برپا کردن خیمه‌ی حق در بین این همه طوفانهای اهوای باطل، کار آسانی نیست؛ انگیزه لازم است. این انگیزه عبارت است از توجّه به خدا؛ «ذکر الله»؛ مدد گرفتن از پروردگار، کار را با حساب خدا انجام دادن؛ و آن قبله‌نما هم عبارت است از توجّه به هدف کار و اینکه ما مقصودمان قدرت نیست، ثروت نیست، هواپرستی نیست، تمثیلات شخصی نیست، ملاحظات گوناگون سیاسی نیست؛ بلکه هدفمان خدا است. این دو تا خصوصیت، این دو عامل مهم، یعنی انگیزه و جهت‌گیری، در نماز خلاصه شده.^۲

۱. در جلسه‌ی هشتم تفسیر سوره‌ی بقره ۱۳۷۰/۷/۲۴

۲. در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز ۱۳۸۵/۶/۲۷

رسیدن به جامعه‌ی آرمانی با قرار گرفتن نماز در جایگاه خود

اهمّیت نماز را باید به درستی فهمید. اینکه فرموده‌اند اگر نماز در درگاه خداوند، مقبول افتد، دیگر خدمات و زحمات نیز پذیرفته شده و اگر نماز مردود باشد، هرچه جز آن نیز مردود گشته است، حقیقتی بزرگ را به ما مینمایاند. آن حقیقت این است که اگر در جامعه‌ی اسلامی نماز در جایگاه شایسته‌ی خود قرار گیرد، همه‌ی تلاشهای سازنده‌ی مادی و معنوی، راه خود را به سمت و سوی آرمانها میگشاید و جامعه را به نقطه‌ی مطلوب آرمانی اسلام میرساند و اگر از اهمّیت نماز غفلت شود و نماز مورد بی‌اعتنائی قرار گیرد، این مسیر به درستی طی نخواهد شد و تلاشها و مجاهدتها تأثیر لازم را در رساندن به قله‌ای که اسلام برای جامعه‌ی بشری ترسیم کرده است، نخواهد داشت.

این حقیقت به همه‌ی ما هشدار میدهد و وظیفه‌ای سنگین را به یاد ما می‌آورد. تلاشهای فرهنگی و هنری و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و غیره، همه باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که نماز، با کیفیت مطلوب، روز به روز در میان مردم بویژه جوانان و نوجوانان رونق گیرد و همه به راستی از این چشمه‌ی پاکی و روشنی بهره‌مند گردند. بی‌شک دستگاه‌های متعدّد امور فرهنگی و آموزشی و صداوسیما و دست‌اندرکاران اداره‌ی مساجد، بیش از دیگران باید احساس مسئولیت کنند.^۱

اقامه‌ی نماز در کشور اسلامی از واجب‌ترین فرایض

اقامه‌ی نماز در کشوری که پرچم اسلام را بر فراز سرخویش برافراشته و به حاکمیت اسلام مفتخر گردیده، یکی از واجب‌ترین فرایض است؛ زیرا همه‌ی هدفهای یک جامعه‌ی نیک‌بخت، از قبیل تأمین عدالت اجتماعی، دستیابی به رفاه عمومی و شکوفایی مادی، پرورش استعدادها و خلاقیتها

۱. پیام به بیست و یکمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۹۱/۶/۱۵

در آحاد مردم، برخورداری از دانش و بینش و تجربه، عزّت و استقلال و اقتدار ملی، گسترش اخلاق انسانی و روابط سالم میان آحاد مردم و دیگر هدفهای والا، در صورتی تأمین میشود که تربیت فردی و تهذیب اخلاقی در آحاد مردم بویژه در کارگزاران امور کشور، تأمین شود و انسانهایی پاک و برخوردار از همّت و توکل و اخلاص و صبر و سخت کوشی در آن جامعه باشند که به یاری این پشتوانه‌ی روحی، توانایی برداشتن بارهای سنگین را دارا باشند و در برابر موانع گوناگون و بویژه امواج فساد و تباهی، یارای ایستادگی داشته باشند. هرچه شمار این گونه انسانها در جامعه و کشوری بیشتر باشد، افق آینده‌ی آن جامعه و آن کشور، روشن تر و حرکت به سوی نیک بختی در آن جامعه و آن کشور، ممکن تر و آسان تر خواهد بود.^۱

وظیفه‌ی آحاد جامعه در اقامه‌ی نماز

اینک نماز، موهبتی بی بدیل و سرچشمه‌ی فیضی لایزال، در اختیار ما است که با آن، نخست از خویش و سپس از هر آن که بدو مهر می‌ورزیم، انسان صالح بسازیم. این دروازه‌ای است گشاده به عرصه‌ای پهناور و مصفا. دریغ است که آدمی عمری را در جوار بهشت مصفّایی بگذراند و سری بدان نکشد و عزیزان خود را بدان سوق ندهد. وحی الهی به پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه وآله وسلم) چنین فرمان داد: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»^۲. امروز همه‌ی شما خود را طرف این خطاب بشمرید و نماز را، حقیقت مقدّس و گوهر درخشان را که عطیه‌ی الهی به امت محمّد مصطفی (صلی الله علیه وآله) است، قدر بشناسید. در این وظیفه هرکسی سهم ویژه‌ای دارد: پدران و مادران با گفتار و کردار خود، فرزندان را به نماز تشویق و راهنمایی کنند.

۱. پیام به مناسبت گردهمایی سالیانه‌ی نماز ۱۴/۶/۱۳۷۴

۲. سوره‌ی طه، بخشی از آیه‌ی ۱۳۲، ترجمه: «و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا

معلّمان، شاگردان مدارس و دانشگاه‌ها را در سمت و سوی این حقیقت درخشان به حرکت وادار نمایند. فضلا و علما و روحانیون محترم، امامت جماعت در مراکز آموزشی و اقامتگاه‌های دانشجویان، برای نسل نو را فرصتی مغتنم بشمرند. نویسندگان کتابهای درسی، رازها و رمزها و درسهای نماز را در کتابهای درسی بگنجانند. وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات و صداوسیما از هنر بویژه هنر سینما برای نشان دادن گوهر نماز و چهره‌ی نمازگزار بهره بگیرند. هنرمندان عزیز با زبان شعر و قصّه و نقاشی و جزاینها، و با آفرینش آثار هنری با کیفیت، بلکه برجسته، دست چیره‌ی هنر را به کاری چنین شایسته مشغول سازند. در مدارس، معلّمان و مدیران، و در همه‌ی مراکز، مسئولان، با حضور خود در صفوف نماز، نمازگزاران را تشویق کنند. در گرده‌مایی‌های علمی و فرهنگی و آموزشی و تبلیغی، نماز را در وقت خود همچون الهام بخش صداقت و هدایت به جای آورند. نویسندگان و گویندگان دینی درباره‌ی نماز و مفهوم و فلسفه و هدف و آثار و برکات و احکام آن بگویند و بنویسند. مردم، مساجد را با حضور در نمازهای جماعت که بهترین شیوه‌ی نماز گزاردن است، رونق بخشند. در همه‌ی بناهای عمومی و جاهایی که همواره به طبع حال، مردمی در آن گرد می‌آیند، مانند فرودگاه‌ها و ایستگاه‌های قطار و بندرها و عزیمت‌گاه‌های خودروهای همگانی و ادارات دولتی و بوستانهای شهری و مانند اینها، نمازخانه‌ها یا مساجدی بنا کنند و افزون بر این، مردم، هر زمین پاکیزه و مناسبی را به هنگام درآمدن وقت نماز، مسجد به‌شمار آورند و در آن به نماز بایستند.

از این‌گونه کار برای هر کسی و قشری از مردم هست، که هرکس باید کنکاش کند و سهم خود از این فریضه‌ی همگانی را بیابد و بدان دست زند. در چنین وضعی است که جامعه‌ی اسلامی ما، توانسته است نماز را اقامه

کند و مصداق این آیهی کریمه گردد که: «الَّذِينَ ان مَّكَّاهُمْ فِي الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَامَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْاُمُورِ»^۱.

دعوت به نماز، دعوت به زیباترین جلوه‌های زندگی

دعوت به نماز، دعوت به زیباترین جلوه‌های زندگی است، زیرا نماز، فصلی از زندگی است که در آن انسان در برابر آفریننده و دارنده‌ی همه‌ی نیکی‌ها و زیبایی‌ها، به عرض نیازی عاشقانه می‌پردازد و بر عیار زیبایی و نیکی روان و دل خویش می‌افزاید. این حجم عظیم و زبان مؤثر توصیه به ذکر و نماز در قرآن و حدیث، نشانه‌ی همین ویژگی در دعوت به نماز است. بندگان صالح و نیکوکار خداوند باید این را درسی برای خود بدانند و به نماز دعوت کنند. مسئولان مؤمن در نظام اسلامی باید امکانات گسترده‌ی خود را در خدمت این دعوت بگذارند. روحانی، معلم، مربی، مدیر و مسئول در همه‌جا مخاطبان و دایره‌ی نفوذ خود را به این سو بکشانند و از آنان دعوت‌کننده به خدا و نماز بسازند.^۲

اهداف بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت اقامه‌ی نماز

هدف بلندمدت اقامه‌ی نماز در جامعه، صلاح و فلاح همگانی است، لیکن تا رسیدن به آن مقصود والا، هدف میان‌مدت، برافروختن چراغ نماز در همه‌ی خانه‌ها و در خانه‌ی دلها است؛ و هدف کوتاه‌مدت، به‌کارگیری همه‌ی ظرفیت علمی و هنری و تبلیغی کشور در این راه و سمت و سودادن به همه‌ی آن‌گونه تلاشها در این جهت است. همچنان که برای گزاردن نماز

۱. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۱، ترجمه: «همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز بر پا میدارند و زکات میدهند و به کارهای پسندیده و امیدارند و از کارهای ناپسند باز میدارند و فرجام همه‌ی کارها از آن خدا است.»

۲. پیام به اجلاس نماز ۱۶/۶/۱۳۷۲

۳. پیام به بیست و ششمین اجلاس سراسری نماز ۳۰/۹/۱۳۹۶

باید قبله را شناخت و به آن روی آورد، برای لبریز کردن فضای دنیا و دنیای دلها از عطر و جلوه و روح نماز هم قبله‌ای وجود دارد که باید آن را یافت و بدان روی کرد. این قبله همان هدفهای والا و نهایی نماز است و روی کردن به آن، پیمودن راه‌هایی است که بدان منتهی میشود، و این راه‌ها در قالب هدفهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت، تعریف‌شدنی است.^۱

لزوم شنیده شدن صدای اذان در سراسر شهر

چرا باید در این شهر با این عظمت، با این همه هیاهوهای گوناگون از اطراف و اکناف، نغمه‌ی اذان در همه‌جای شهر شنیده نشود؟! اذان، علامت مسلمانی است. چه کسی گفته باید در پشت بام مساجد یا در مساجد بزرگ و عمده، حتی در سحرها - ظهر و شب که جای خود را دارد - از طریق بلندگو اذان نگویند؟ وقت اذان که میشود، باید تهران یکسره صدای اذان باشد. مگر اینجا قبة الاسلام نیست؟ مگر ما این حرف را نمی‌گوییم؟ اینکه ظهر بشود، از ظهر یک ساعت هم بگذرد، کسی در خیابان راه برود، اما احساس نکند که ظهر شده است، آیا این قضیه با آن ادعا می‌سازد؟!^۲

ضرورت پخش صدای اذان از مساجد

چندی پیش، من راجع به اذان سفارش کردم و البته گفتم که صبحها با بلندگو در همه جا اذان نگویند، تا مردم از خواب بیدار نشوند. مثل اینکه بعضی از مؤمنین، این قسمت دؤمش را بیشتر از قسمت اول گوش کردند! آنچه که مقصود ما بود، این بود که در سحرها، هرجایی یک بلندگو صدا نکند؛ ولی معنایش این نبود که به هنگام سحر، صدای اذان در شهری

۱. پیام به مناسبت برگزاری سیزدهمین اجلاس سراسری نماز ۱۴/۶/۱۳۸۲

۲. در دیدار با جمعی از روحانیون، ائمه‌ی جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور در آستانه‌ی ماه

مبارک رمضان ۱۴/۱۲/۱۳۷۰

مثل تهران به گوش نرسد! نه، در جایی مثل تهران، اقلّاً در چند مسجد از مساجد مهم، خوب است که با بلندگو اذان پخش بشود؛ حتی اذان صبح. در شهرهای کوچک هم به فراخور وسعت آن شهر، می‌بایست اذان صبح در چند جا پخش بشود. اما در ظهر و شب اذان بگویند؛ هم اذان بلندگو، هم جلوی مساجد، هم داخل مساجد و هم در خیابانها، تا مردم به اذان گفتن عادت کنند.^۱

برپا داشتن نماز؛ نخستین ثمره و نشانه‌ی حکومت صالحان

تشکیل مجمعی از صاحب‌نظران برای اقامه‌ی نماز، یکی از شایسته‌ترین و ضروری‌ترین کارهایی است که باید در جمهوری اسلامی صورت می‌گرفت؛ زیرا برپا داشتن نماز، نخستین ثمره و نشانه‌ی حکومت صالحان است؛ و در رتبه‌ی بعد از آن است که نوبت به «زکات» به مثابه‌ی تنظیم مالی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر، و نیز «امر به معروف و نهی از منکر» یعنی سوق دادن به نیکی‌ها و بازداشتن از بدی‌ها می‌رسد؛ «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ»^۲.

اقامه‌ی نماز فقط این نیست که صالحان، خود نماز بگذارند؛ این چیزی نیست که برتشکیل حکومت الهی متوقف باشد؛ بلکه باید این ستون دین در جامعه به پا داشته شود و همه‌کس با رازها و اشاره‌های آن آشنا، و از برکات آن برخوردار گردند. درخشش معنویت و صفای ذکر الهی، همه‌ی آفاق جامعه را روشن و مصفاً کند و تن‌ها و جانها باهم به نماز بشتابند و در پناه آن، طمأنینه و استحکام یابند.^۳

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۹/۱۱/۱۹

۲. سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۱، ترجمه: «همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا میدارند و زکات میدهند و به کارهای پسندیده و امیدارند و از کارهای ناپسند باز میدارند.»

۳. پیام به اولین اجلاس سالیانه‌ی اقامه‌ی نماز در مشهد مقدّس ۱۳۷۰/۷/۱۵

مسئولیت ترویج نماز برعهده‌ی آشنایان با معارف اسلامی

حقیقت آن است که در کار معرفی نماز کوتاهی‌های زیادی شده است؛ و نتیجه آنکه نماز هنوز جایگاه شایسته‌ی خود را، حتی در نظام اسلامی ما به دست نیاورده است. این مسئولیت سنگین، بردوش دانشوران و آشنایان به معارف اسلامی است که نماز را به همه، بخصوص به نسل جوان بهتر بشناسانند. از کودک دبستانی تا پژوهشگر دوره‌های عالی، هریک فراخور ذهن و معرفت خود، میتوانند در راه شناختن نماز و رازهای آن، قدمهایی بردارند و با ناشناخته‌هایی آشنا شوند. حتی عرفای بزرگ نیز برای سالکان وادی معرفت، «اسرار الصلاة» نوشته و آموخته‌اند؛ یعنی اعماق این اقیانوس، همچنان ناشناخته و پیمودنی است.^۱

رسالت صداوسیما و دیگر رسانه‌ها در ترویج فرهنگ نماز

در جامعه‌ی ما فصل مهمی باید در معرفی نماز در همه‌ی سطوح گشوده شود. رسانه‌ها و بخصوص صداوسیما، با شیوه‌های گوناگون، نماز را معرفی و یادآوری کنند. همه‌جا و همیشه در رادیو و تلویزیون، نماز در اولویت گذاشته شود و شوق ایمان و عطش یاد خدا در دلها پدید آید.^۲

نمایش نماز جماعت مهجوری با جمع معدودی آن‌هم از فرسودگان بی‌نشاط، ترویج نماز جماعت نیست؛ همچنان که پخش صدای اذان از رسانه‌های صوت و تصویر، کافی نیست. جوانهای ما هزاران صف جماعت پرشور و حال در سراسر کشور تشکیل میدهند؛ مردم زیادی از آنان که فیلمهای سینمایی در گزارش واقعیتهای زندگی آنان ساخته میشود، اهل نماز و نیاز و تهجدند؛ حنجره‌های بسیاری از روی ایمان و تعبد در هنگام اذان، صدا به این سرود معنوی بلند میکنند؛ گروه‌های انبوهی

۱. پیام به اولین اجلاس سالیانه‌ی اقامه‌ی نماز در مشهد مقدس ۱۳۷۰/۷/۱۵

۲. همان

در هنگام نماز از کار روزانه دست کشیده به مسجد رو می‌آورند؛ اینها میتوانند در ساختهای هنری، چهره‌ی زیبا و ترغیب‌کننده‌ی این فریضه‌ی نجات‌بخش را به همه نشان دهد.^۱

در این نمایشهایی که داده میشود - در سریالها و اینها - گاهی اوقات این محاوره‌ای که در این فیلم هست، یک کلمه‌اش یک تأثیر بزرگ در مقابل میگذارد؛ گاهی یک کلمه. یک جمله ممکن است که یک جمع زیادی جوان را نمازخوان کند؛ هیچ لزومی ندارد ما وضو گرفتن و نماز خواندن یکی را حتماً نشان بدهیم برای اینکه مردم را به نماز خواندن تشویق کنیم. گاهی اوقات اگر چنانچه شما بتوانید هنرمندانه یک جمله را در همین محاورات - به قول شما دیالوگها - بگنجانید، ای بسا یک جمله افراد را گرایش به نماز بدهد.^۲

ضرورت در نظر گرفتن پیوست مسجد و نمازخانه برای تمام طرحهای بزرگ مهندسی در کشور

همه‌ی کارهای مهندسی بزرگ بایستی یک پیوست مسجد و نمازخانه داشته باشد. وقتی مترو طراحی میکنیم، برای ایستگاه مترو، مسجد در آن ملاحظه شود؛ ایستگاه قطار طراحی میکنیم، فرودگاه طراحی میکنیم، مسجد در آن حتماً دیده شود. شهرک طراحی میکنیم، مسجد در مراکز لازم که ممکن است بیش از یکی لازم باشد، در او حتماً ملاحظه شود. آیا ممکن است ما یک شهرک را طراحی کنیم، خیابان‌کشی او را فراموش کنیم؟ میشود شهرک بدون خیابان؟ با این چشم باید به مسجد نگاه کرد. شهرک بدون مسجد معنی ندارد. وقتی انبوه‌سازان ساختمان میخواهند مجوز بگیرند برای انبوه‌سازی و ساختمان بسازند، در نقشه‌ای که ارائه میدهند که

۱. پیام به اجلاس سراسری نماز ۱۳۸۰/۶/۱۵

۲. در دیدار جمعی از برنامه‌سازان صداوسیما ۱۳۹۷/۸/۲۴

مجبور بر اساس او صادر میشود، باید نمازخانه دیده شود. ما باید با نمازخانه این جوری برخورد کنیم.^۱

ضرورت رعایت اوقات و امکانات اقامه‌ی نماز در پرواز هواپیماها و حرکت قطارها

در پروازهای گوناگون - داخلی، خارجی، دوردست - که وقت نماز را پوشش میدهد، حتماً رعایت مسئله‌ی نماز بشود. اگر امکان دارد قبل از پرواز و بعد از پرواز، وقت نماز وجود داشته باشد؛ این جور نباشد که مثلاً فرض بفرمایید از قبل از اذان صبح راه بیفتند و بعد از آفتاب به مقصد برسند؛ نه، برنامه را جوری تنظیم کنند که مردم بتوانند نمازشان را بخوانند؛ یا قبل، یا بعد. اگر امکان ندارد - گاهی ضرورت‌هایی از لحاظ پروازهای داخلی، خارجی، خطوط هوایی، پیدا میشود که امکان ندارد - در داخل هواپیما امکانات نماز خواندن را فراهم کنند که البته کاملاً میشود قبله را تشخیص داد؛ یعنی خلبانها واردند، میفهمند، میدانند؛ تا افرادی که مایلند در داخل هواپیما نماز بخوانند، بتوانند. البته مسئله‌ی حرکت قطارها هم به طریق اولی این جور است.

امروز در کشور ما این جهات قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست. شماها اغلب قبل از انقلاب را یادتان نیست. عجیب بود! هم اینجا، هم بعضی جاهای دیگر. ما عراق رفته بودیم، یک سفر عتبات مشرف شدیم، هر کار کردیم برای نماز صبح، توقف نکرد؛ یعنی اصلاً نمیشد؛ جوری تنظیم کرده بودند که نمیشد. و بنده مجبور شدم از اواخر قطار، که نزدیک ایستگاه یا اوایل ایستگاه بود، خودم را از پنجره بیندازم بیرون که بتوانم نماز بخوانم؛

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

چون در داخل قطار کثیف بود و نمیشد نماز خواند. به هر حال، این چیزها هیچ رعایت نمیشد. حالا خیلی تفاوت کرده؛ منتها بیش از اینها انتظار هست. اهمّیت نماز باید معلوم باشد.^۱

مقایسه‌ی اقامه‌ی نماز در دو دوره‌ی قبل و پس از انقلاب

امروز در جمهوری اسلامی اقامه‌ی نماز قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست. قبل از انقلاب نماز خواندن یک عیب بود و در همین مسجد دانشگاه تهران یک عده‌ی بسیار محدودی میرفتند نماز میخواندند، به طوری که من یک وقتی کار داشتم و رفته بودم آنجا دنبال کسی مسجد خلوت بود و هیچ کس سراغ مسجد نمیرفت مگر یک چند نفر معدودی از چند هزار دانشجو.

در محیط نماز خواندن، مخصوصاً در بعضی از محیط‌ها اگر جایی انسان گیر می افتاد و میخواست نماز بخواند همه تماشا میکردند و مایه‌ی تعجب بود. در آن زمان اگر میخواستند از یک جوانی تعریف کنند، میگفتند این جوان خیلی خوب است و نمازخوان است؛ نمازخوان یعنی خیلی خوب. نمازخوان یک نوع مقدّس مآبی به حساب می آمد؛ تازه همان آدم هم یک وقتی اگر کاری داشت و جلسه‌ای داشت، یا درسی داشت، یا قرار شیرین خوبی داشت، نماز را خیلی راحت ترک میکرد؛ اما امروز آن طور نیست. امروز جوانهای ما در دانشگاه و در غیر دانشگاه دنبال نماز و علاقه مند به نماز و مقیّد به نماز هستند؛ لکن این کافی نیست، و لذا در محیط‌تان باید کاری بکنید که نماز رواج پیدا کند.^۲

۱. در دیدار شرکت کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

۲. در جلسه‌ی هشتم تفسیر سوره‌ی بقره ۱۳۷۰/۷/۲۴

شاخصهای اقامه‌ی نماز

نشانه‌ها و شاخصهایی هست که هرگاه و هرجا دیده میشوند میتوان گفت: حق نماز، گزارده شده است.

۱- همگانی شدن نماز

نخست همگانی شدن نماز است. ناسپاسی بزرگی است که کسی در محیط اسلامی به سربرد و نماز را که برترین وظیفه‌ی هر مسلمان است، به جا نیاورد. چنین کسی نزد خدا و نزد بندگان خدا روسیاه و در حق خود، مقصّر است، چرا که خویش را از برکات نماز محروم ساخته و درباره‌ی نماز کوتاهی کرده است. آنگاه که در جامعه‌ی اسلامی همگان از پیر و جوان و نوجوان و در هر موقعیت اجتماعی یا خانوادگی، و در همه‌ی شرایط زمانی و مکانی و جوی، و در آسایش و در رنج و شادی و غم، نماز را چون پایه‌ی دین و بخشی از زندگی یک مسلمان، به جای آوردند و به هیچ بهانه، عمداً آن را ترک نکردند، مهم‌ترین نشانه‌ی حق‌گزاری نماز آشکار شده است.

۲- نیکو به جای آوردن نماز

نشانه‌ی دیگر، نیکو به جای آوردن نماز است؛ یعنی با توجه به معنی و مفهوم کلمات نماز و همراه با خشوع و حضور و این روح نماز است که بدون آن، نماز کالبدی است بی جان، و اگرچه ساقط‌کننده‌ی اقل تکلیف، ولی نه برآورنده‌ی همه‌ی هدفها و مقاصد تشریع؛ این یک. البته نیازمند آموزش و نیز تمرین است و اگر به کمک الهی، تأمین شود، عمق روحیه‌ی دینی و برکات فراوان ایمان و عمل را با خود تأمین خواهد کرد.

۳- رونق مساجد و افزایش نمازهای جماعت

نشانه‌ی دیگر، آبادی مساجد و افزایش نمازهای جماعت است، و این

به معنای بروز برکات نماز در سطح همکاری و همدلی اجتماعی است. بی شک این فریضه نیز با همه‌ی اتکال‌ش به عامل درونی، یعنی توجه و ذکر و حضور، همچون دیگر واجبات دینی، ناظر به همه‌ی عرصه‌ی زندگی انسان است و نه به بخشی از آن یعنی زندگی فردی و شخصی هرکس. و آنجا که پای فعالیت و نشاط دسته جمعی افراد جامعه به میان می‌آید، نماز همچون گرم‌ترین و پرشورترین عبادت دسته جمعی، نقش بزرگی را برعهده می‌گیرد. مظهر این خصوصیت، همین نمازهای جماعت پنج‌گانه و نماز جمعه و نمازهای عید است.

۴- طرح مسئله‌ی نماز در عرصه‌ی مطالعات و تحقیقات علمی

نشانه‌ی دیگر، مطرح شدن نماز در عرصه‌ی مطالعات و تحقیقات علمی است؛ همان‌طور که بحث فقهی درباره‌ی نماز و مقدمات آن، طولانی‌ترین مباحث فقهی در حوزه‌های علمیه را تشکیل می‌دهد، بحث کلامی، عرفانی و اجتماعی نماز نیز باید سلسله‌ی مهمی از مباحث دینی مطرح در سطح جامعه را پدید آورد. آگاهان دینی و محققان و نویسندگان در این باره مقالات و تحقیقات و کتابهایی فراهم کنند و بحث نماز به‌طور مکرر در همه‌ی جایگاه‌های تبلیغ دین، با زبانها و شیوه‌ها و از زاویه‌های گوناگون مطرح گردد. در کتابهای درسی دوره‌های مختلف، به تناسب، فصل فشرده یا گسترده ولی به هر حال، عمیق و متینی درباره‌ی نماز گنجانیده شود.

۵- بیان درسهای نماز در برنامه‌های صداوسیما

در صداوسیما نماز همچون موضوعی که باید به همه آموخت، تلقی گردد و در برنامه‌ای جداگانه یا در دل برنامه‌های گوناگون، از آن سخن رود و

اعماق و رازها و درسهای آن برای همه‌ی مردم بیان گردد. در سخنرانی‌های دینی در مساجد و غیره بارها و بارها معارف نماز نیز همچون مسائل آن بازگو شود.

۶- احداث نمازخانه‌ی مناسب در اماکن عمومی و دولتی

نشانه‌ی دیگر آن است که در همه‌ی جاها و ساختمانهای عمومی و دولتی، نمازخانه‌ای درخور دیده شود و نماز گزاردن در همه‌جا برای همه، کاری در دسترس به شمار آید.

۷- حضور افراد شاخص و بزرگان جامعه در نمازخانه‌ها

نشانه‌ی دیگر آن است که بزرگان جامعه و کسانی که چشمها به آنها دوخته شده و انگشتها آنها را نشانه کرده است، در مراکز همگانی نماز دیده شوند و نمازخانه‌های مراکز عمومی، ویژه‌ی آدمهای بیکار یا فرودست شمرده نشود و نشانه‌های دیگری که با تدبیر میتوان بدانها دست یافت. هرگاه این نشانه‌ها همه در جامعه‌ای پدید آید، بحق باید گفت که حق نماز در آن جامعه ادا شده است، و هرچه این نشانه‌ها بیشتر باشد گرایش به حق‌گزاری نماز بیشتر است.^۱

توصیه‌های راهگشا برای اقامه‌ی نماز

۱. برای تبیین ژرفای نماز و معرفی رازها و زیبایی‌های آن، دست به تلاش پیگیر و همه‌جانبه‌ای زده شود. در کتابهای معارف دانشگاه‌ها و کتب درسی دوره‌های پیش از دانشگاه و جزوه‌های کوچک و قابل فهم همه،

۱. پیام به مناسبت گردهمایی سالیانه‌ی نماز در شیراز ۱۳۷۳/۶/۱۰

سخنان نغزو پرمغزو مضمونهای تازه‌ی فراوان در این باره وارد شود.^۱ آشنایان با معارف اسلامی، شأن نماز و روح و محتوا و گستره‌ی تأثیر آن در جان فرد و مجتمع را با شیوه‌های رسا تبیین کنند، و بویژه هنرمندان برای این مقصود از ابزار کارآمد هنر بهره بگیرند.

۲. پدر و مادرها، کودکان و نوجوانان را با صورت و معنای این فریضه آشنا سازند و اگر باید از دیگران کمک گرفت، کتابهای شیرین و آسان فهم را برای کودکان خود بخوانند.

۳. معلمان مدارس در هنگام نماز، نوجوانان پسر و دختر را به حضور در نمازخانه‌های مدارس تشویق کنند و خود پیش از همه به نماز بشتابند.

۴. مسئولان پرورشی مدارس، نماز را در رأس برنامه‌های پرورشی به شمار آورند.

۵. مسئولان ورزش کشور، محیط ورزش را با یادآوری و اقامه‌ی نماز روح بخشند و در تعیین وقت مسابقات ورزشی، ساعت نماز را فارغ و زمین و زمان را آماده‌ی برگزاری نماز کنند.

۶. برنامه‌ریزان حرکت رسانه‌های سفری مانند قطار و هواپیما و غیر آن، حفظ وقت و امکان نماز مسافران را در برنامه‌ریزی‌ها در نظر بگیرند.^۲

۷. مساجد، به شکل شایسته غبارروبی شود و خدمت به مسجد، کاری مردمی و همگانی شمرده شود.^۳ ائمه‌ی محترم جماعات، مساجد را از همیشه فعال‌تر کنند و آموزش ترجمه و مفهوم و روح نماز را به شکل نوین و جذاب، در برنامه‌های خود بگنجانند.^۴

۸. نماز صبح در مساجد اقامه شود.

۹. احکام فقهی نماز به صورت آسان و روان منتشر شود، و جزوه‌ها و

۱. پیام به مناسبت گردهمایی سالانه‌ی نماز در شهر زنجان ۱۳۷۵/۶/۳۱

۲. پیام به هفتمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۷۶/۷/۷

۳. پیام به مناسبت گردهمایی سالانه‌ی نماز در شهر زنجان ۱۳۷۵/۶/۳۱

۴. پیام به هفتمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۷۶/۷/۷

نوارهای صوتی و تصویری مناسب برای فرستادن به میان ملت‌های دیگر، آماده گردد.

۱۰. اذان از حنجره‌ی اشخاص خوش صدا در همه جا پخش شود و هیچ شهر و محله‌ای محروم از آهنگ اذان نماند.

۱۱. نمازهای جمعه در هر شهر با شرکت فرزندان و اصحاب معرفت در ستادهای آن، پربارتر گردد.

۱۲. مدیران دستگاه‌های اداری و دولتی، خود متصدی اقامه‌ی نماز در آن دستگاه‌ها شوند.

۱۳. در سربازخانه‌ها آموزش نماز و عمل به آن، از آنچه هست، جدی‌تر گرفته شود.

۱۴. در میان جاده‌های بیابانی، مسجد به قدر کافی ساخته شود و در شهرهای سرراه در همه‌ی ۲۴ ساعت، مسجد باز و آماده وجود داشته باشد.

۱۵. در شهرها و شهرک‌هایی که تازه ساخته میشود، مسجد جامع، نخستین بنا و مرکز حقیقی شهر قرار گرفته و ساخته شود.

۱۶. در همه‌ی اجتماعات با فرارسیدن وقت نماز، نماز به پا داشته شود و اجتماعاتی که به خاطر انبوهی آن یا به هر جهت دیگر قادر به این کار نیستند، برنامه‌ی زمان‌بندی آنها جوری تنظیم شود که با وقت نماز تصادف پیدا نکند.^۱

۱۷. چه نیکو است که از همه‌ی شهرهایی که در آن حوزه‌ی علمیه و طلاب علوم دینی حضور دارند، در همه‌ی شبهای جمعه گروه‌هایی به روستاها اعزام شوند. شعار اول این پیام‌رسانان دین و معنویت، باید اقامه‌ی نماز باشد.^۲ و به طور خلاصه وضع شهرها و روستاهای کشور را جوری کنید که هر کس که تازه وارد آن میشود، آن را محیط اهتمام به نماز و جایگاه

۱. پیام به مناسبت گردهمایی سالانه‌ی نماز در شهر زنجان ۱۳۷۵/۶/۳۱

۲. پیام به اجلاس نماز ۱۳۷۷/۶/۱۸

اقامه‌ی آن بدانند.^۱

۱۸. علمای دینی و فضایی که در بخشهای گوناگون دولتی به خدماتی اشتغال دارند، شایسته است که به عمران معنوی مساجدی که در آنها نماز جماعت اقامه نمیشود، پردازند؛ امامت در مسجد را نیز وظیفه‌ای بزرگ بشمرند.^۲



۱. پیام به مناسبت گردهمایی سالانه‌ی نماز در شهر زنجان ۱۳۷۵/۶/۳۱

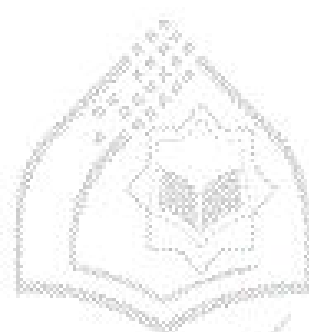
۲. پیام به اجلاس نماز ۱۳۷۷/۶/۱۸

فصل ششم

قرارگاہ مؤمنان

(جایگاہ و فضیلت نماز جمعہ و جماعت)

مکتبہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

نماز جمعه

جایگاه نماز جمعه در روایات اهل بیت (علیهم السلام)

اسلام برای نماز جمعه، خیلی اهمیت قائل است... از قول پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) نقل شده که فرمود: «من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فعليه بالجمعة يوم الجمعة»؛ یعنی هرکس که ایمان دارد، در روز جمعه نباید نماز جمعه را فراموش کند.

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «والله لقد بلغني ان اصحاب النبي (صلی الله علیه وآله) كانوا يتجهزون للجمعة يوم الخميس»؛ یعنی اصحاب پیامبر، در روز پنجشنبه خودشان را برای فردا آماده میکردند، تا به نماز جمعه بروند. در یک روایت دیگر دارد که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: روز پنجشنبه دارویی نخورید که شما را در بستر بیندازد، تا مبادا نماز جمعه‌ی فردا از دستتان برود.

درباره‌ی احترام به نماز جمعه، از امام صادق (علیه الصلاة والسلام) روایت است: «ليتزّن احدكم يوم الجمعة»^۱؛ روز جمعه، خود را زینت کنید. «يغتسل ويتطيب و

۱. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۱۲۶

۲. الاصول من الكافي، ج ۳، ص ۴۱۵

۳. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۳۵۲

یسرچ لحتہ^۱؛ غسل کنید، عطر بزنید و سرو صورت خود را مرتب نمایید.
«یلبس انظف ثیابه»^۲؛ تمیزترین لباسهایتان را بپوشید و به نماز جمعه بروید.

در روایت دیگر دارد که ملائکه ی الهی می ایستند و می بینند که چه کسی زودتر وارد مصلی شد و همین طور مینویسند: نفر اول، نفر دوم، نفر سوم، نفر پنجم، نفر صدم؛ تا وقتی که امام جمعه بلند میشود خطبه را بخواند. یعنی هرچه میتوانید، زودتر در نماز جمعه حاضر شوید.

در یک روایت دارد که امام مسلمین، زندانیانی را که به خاطر قرض به زندان افتاده اند، روز جمعه یا روز عید، به نماز جمعه یا به نماز عید بیاورد و محافظ هم برایشان بگذارد و وقتی که نماز را تمام کردند، آنها را به زندانشان برگرداند؛ یعنی حتی زندانی هم از نماز جمعه محروم نماند. در یک روایت دارد که «لو يعلم امتی ما لهم فیها»^۳، اگر مردم منافع این سه چیز را میدانستند، «لیضربوا علیها بالثهام»^۴، بر سر آن باهم منازعه میکردند. آن سه چیز، عبارت از اذان و زود رفتن به نماز جمعه و قرار گرفتن در صف اول است، که ممکن است صف اول جهاد یا صف اول نماز جمعه باشد.

... در یک روایت فرمود: «من ترک الجمعة ثلاثاً تهاوناً طبع الله علی قلبه»^۵؛ هرکس سه جمعه پشت سرهم، از روی بی اعتنائی نماز جمعه را ترک کند - اگر کسی کاری داشته باشد، آن مورد بحث نیست - خداوند بر قلب او مهر میزند.^۶

نماز «عبادی - سیاسی» جمعه

این نماز، نماز جمعه است؛ نماز اجتماع است؛ نماز روشنگری و

۱. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۳۵۲

۲. همان

۳. همان، ص ۱۹۷

۴. همان، ص ۱۹۷

۵. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۶

۶. خطبه های نماز جمعه ی تهران ۱۳۶۹/۱۱/۱۹

آگاه‌سازی آحاد مردم است؛ نماز اخبار از آفاق عالم، به مؤمنین و آحاد مردم است. بحمدالله، به برکت انقلاب اسلامی، ما مردم ایران که بخصوص در مناطق شیعه‌نشین، از این نعمت بزرگ و عبادت عظمی، محروم بودیم، یک بار دیگر از این نماز برخوردار شدیم. از آغاز کار هم اسم این نماز در کشور و جامعه‌ی ما «نماز عبادی - سیاسی» شد؛ یعنی هم به جنبه‌ی معنوی و تربیت و تهذیب نفوس و آدم‌سازی و گسترش روح تقوا در جامعه که از این نماز متوقع بود، دقت شد و هم به جنبه‌ی سیاسی آن؛ چرا که نظام اسلامی، یک نظام مبتنی بر آگاهی مردم است و اگر مردم آگاه و مؤمن نباشند، نظام اسلامی، درحقیقت، روح خود را از دست خواهد داد. این جنبه هم در نماز جمعه‌ی ما ملحوظ شد و مورد اعتنای کامل قرار گرفت و جمع کردن مردم بر کلمه‌ی «تقوا» و کلمه‌ی «دین» و کلمه‌ی «جهاد» و «اتفاق کلمه» در همه‌ی امور، جزو ویژگی‌هایی شد که در این نماز ملحوظ گردید؛ لذا گفته شد: عبادی - سیاسی.^۱

نماز جمعه، نماد ذکر خدا و جنگ با دشمنان

نماز جمعه یک واجب سمبلیک است، یک سمبل و رمز است؛ اولاً نماز است و ذکر خدا است؛ ثانیاً سلاح است، حالت جنگیدن با دشمن خدا و با شیطانها است. امام جمعه که رمز نماز جمعه است باید عصای خود را سلاخی قرار بدهد و در مقابل مردم بایستد و اساسی‌ترین و لازم‌ترین و اصلی‌ترین مسائل را در اجتماعی بزرگ از زبانی ایمن و مورد اطمینان با مردم در میان بگذارد.^۲

۱. در نهمین گردهمایی سراسری ائمه‌ی جمعه ۱۳۷۲/۶/۲۸

۲. در اولین خطبه‌ی نماز جمعه پس از انتصاب از سوی امام خمینی (ره) به عنوان امام جمعه‌ی

تهران ۱۳۵۸/۱۰/۲۸

احیاء نماز جمعه یکی از بزرگ‌ترین خدمات حضرت امام (رحمة الله علیه)

یکی از بزرگ‌ترین کارهای امام بزرگوارمان (رضوان الله تعالی علیه)، همین ایجاد و تأسیس نمازهای جمعه بود. نماز جمعه را ایشان به این ملت دادند. سالهای متمادی بود که ما از نماز جمعه محروم بودیم، یا آن را نداشتیم. در جاهایی هم که خیلی به ندرت پیدا میشد، آن تأثیری را که نماز جمعه میتواند در حکومت اسلامی داشته باشد، قهراً نداشت.^۱

ملت ایران، نماز جمعه نداشت و از این نعمت محروم بود؛ انقلاب به او نماز جمعه داد. در طول این دوازده سال، نمازهای جمعه نقش بسیار بزرگی در پیشرفتهای و موفقیت‌های این ملت و این کشور ایفا کرده‌اند و سهم بسزایی در بسیج نیروها و سازندگی و هدایت سیاسی و دینی مردم داشته‌اند.^۲

نماز جمعه، برهم‌زننده‌ی نقشه‌ی دشمنان اسلام

وقتی که نماز جمعه‌ی تهران تشکیل میشود و پشت سر امام جماعت انقلابی شیعی در تهران، رؤسای نهضتها و کشورهای اسلامی و موجهان ملتهای مسلمان در چند صف می‌ایستند و با خلوص تمام نماز می‌خوانند - که در طول این چند سال، ما دائماً چنین چیزهایی داشته‌ایم - دشمنان اسلام، از حقد و غضب پُر میشوند. این، درست ضد آن چیزی است که آنان برایش پول خرج کرده‌اند. انقلاب اسلامی آمد و همه‌ی نقشه‌های آنان را برهم زد؛ طبیعی است که در صدد مقابله برمی‌آیند.^۳

علت تبلیغات دشمنان علیه نماز جمعه

از اوّلی که نماز جمعه به وجود آمد و این نماز در همه‌ی شهرستانهای

۱. در دیدار با ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور ۱۳۶۹/۳/۷

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۹/۱۱/۱۹

۳. در دیدار با گروه کشوری از آزادگان و اقشار مختلف مردم، در اوّلین روز از هفته‌ی وحدت

کشور و بخصوص در تهران مردم را در مسائل گوناگون متحد کرد و دشمنان دیدند که تا مسئله‌ای در کشور به وجود آید، همه منتظر روز جمعه‌اند که ببینند در منبر نماز جمعه، درباره‌ی این مسئله، چه موضع‌گیری‌ای میشود و بعد، همان موضع‌گیری فضای عمومی کشور میشود، بنای مبارزه با آن را گذاشتند. من به دقت مبارزات شدید تبلیغاتی و حرفه‌ای را که در همان سالهای ۵۸، ۵۹ و ۶۰ درباره‌ی نماز جمعه میگفتند - که ما هم آنها را در نماز جمعه، گاهی ذکر میکردیم و رشته‌های آنها را پنبه میکردیم و تمام میشد - به یاد دارم. امروز هم، همچنان ادامه دارد. اگر کسی گمان کند که نماز جمعه، به عنوان یک کانون اجتماع - اجتماع در فکر، اجتماع در ممشای سیاسی، اجتماع در اهواء، در عواطف و محبت‌ها، و اجتماع در حرکت‌های عمومی - از نظر دشمنان این نظام مغفول‌عنه است، اشتباه کرده است. باز هم به نماز جمعه توجه دارند؛ هرچه که بتوانند، علیه نماز جمعه کار میکنند.^۱ اگر نماز جمعه میتواند ملتی را به تربیت اسلام تربیت کند - تربیت اسلام یعنی آن تربیتی که توانست یک تمدن را به وجود آورد و بر همه‌ی تمدن‌ها و فرهنگ‌هایی که پیش از او در منطقه‌ی عظیمی از دنیا وجود داشتند، قلم نسخ بکشد و نماز جمعه وسیله‌ی تربیت اسلامی است - چرا نباید با آن دشمن باشند؟ چرا نباید علیه آن کتاب بنویسند؟! چرا نباید دلارهای نفتی، صرف تبلیغات علیه چنین نماز جمعه‌ای شود؟!^۲

نماز جماعت

نماز جماعت؛ مظهر همدلی و همکاری اجتماعی

نشانه‌ی دیگر [حق‌گزاری نماز]، آبادی مساجد و افزایش نمازهای جماعت است، و این به معنای بُروز برکات نماز در سطح همکاری و

۱. در نهمین گردهمایی سراسری ائمه‌ی جمعه ۱۳۷۲/۶/۲۸

۲. همان

همدلی اجتماعی است. بی شک این فریضه نیز با همه‌ی ا تکالیش به عامل درونی یعنی توجه و ذکر و حضور، همچون دیگر واجبات دینی، ناظر به همه‌ی عرصه‌ی زندگی انسان است و نه به بخشی از آن یعنی زندگی فردی و شخصی هر کس. و آنجا که پای فعالیت و نشاط دسته جمعی افراد جامعه به میان می آید، نماز همچون گرم ترین و پر شورترین عبادت دسته جمعی، نقش بزرگی را بر عهده میگیرد. مظهر این خصوصیت، همین نمازهای جماعت پنج گانه و نماز جمعه و نمازهای عید است.^۱ یکی از فواید نماز جماعت - آن چنان که ذکر شده است - همین است که مردم از حال هم مطلع شوند.^۲

نماز جماعت؛ عامل ایستادگی و شجاعت در مقابل دشمنان

شما، ملت عزیز، شما ملت بزرگ ایران، شما ملت مقاوم... علی رغم تلاش شیطان، توانسته اید بینی او را به خاک بمالید؛ او ضعیف شده است و شما ضعیف نشده اید؛ او بارها و بارها احساس ضعف و ترس کرده است، ولی شما احساس ضعف و ترس نکرده اید. شما ملت، تا وقتی که متحدید، تا وقتی که در صحنه اید، تا وقتی که با خدا ارتباط دارید، تا وقتی که ماه رمضان دارید، تا وقتی که حج خانه ی خدا دارید، تا وقتی که مسجد دارید، تا وقتی که نماز جماعت دارید، تا وقتی که امر به معروف و نهی از منکر دارید، تا وقتی که جوان بسیجی دارید، تا وقتی که انسانهای مؤمن و مبارز که حاضرند در راه خدا مبارزه کنند دارید، تا وقتی که رهنمودهای امام بزرگوار را دارید، از دشمن بزرگ و کوچک، از ابر قدرت و قدرتهای زیر دست و دنباله رو او، از آمریکا و اروپا و از هر قدرت دیگری، هرگز باک نداشته باشید.^۳

۱. پیام به مناسبت گردهمایی سالیانه ی نماز در شیراز ۱۳۷۳/۶/۱۰

۲. در دیدار اعضای سمینار ائمه ی جمعه ۱۳۷۱/۶/۳۱

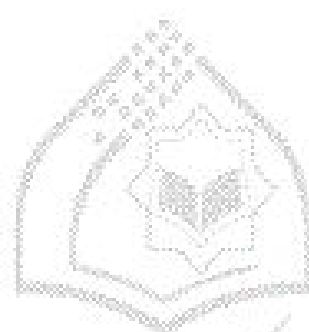
۳. در حرم مطهر رضوی (ع) ۱۳۷۲/۱/۵

فصل ہفتم

بہار عبادت

(اہمیت توجہ بہ نماز در دوران جوانی)

مرکز تحقیقات اسلامی و مطالعات دینی
موسسه تحقیقاتی و تبلیغی
مطالعات دینی و اسلامی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

دوران جوانی؛ بهار عبادت

وقتی ما جوان بودیم، یک عالمی بود در مشهد که با پدر من خیلی دوست بود، خیلی هم پیر بود - آن وقت، به سنّ حالای ما مثلاً یا بیشتر - ما جوان بودیم، دوست میداشت ماها را، نصیحت میکرد و میگفت که قدر جوانی را بدانید که حتی عبادت کردن هم مال جوانها است، نه مال پیرها؛ برای ما تعجب‌آور بود، خب عبادت مال پیرها است، [اما] او میگفت عبادت هم مال جوانها است؛ حالا این را همه حس میکنند. ببینید! شما دلتان زود نرم میشود، زود نورانی میشود، اشکتان زود جاری میشود، ارتباطتان با خدا زود برقرار میشود. این خیلی مغتنم است. این گرایشی که امروز در محیط جوان کشور به معنویات وجود دارد، خیلی با ارزش است.^۱ این دل پاک و زلال را هرچه میتوانید، با منبع عظمت، با منبع حقیقت، با منبع زیبایی - یعنی ذات مقدّس باری تعالی - پیوند دهید و نزدیک کنید. اگر موفق شدید، تا آخر عمر زندگی سعادت‌مندانه خواهید داشت؛ اگر حالا موفق نشوید، بیست سال دیگر سخت‌تر است؛ اگر بیست سال بعد هم - که شماها ۴۰ سال، ۴۵ سال سنّتان است - موفق نشوید، بیست سال بعدش بسیار بسیار مشکل‌تر است؛ یعنی در سنّ کمتر از سنّ حالای من؛ خیلی

۱. در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۵/۴/۱۲

سخت خواهد شد؛ نه اینکه محال باشد، اما مشکل است. حالا دل را به خدا پیوند بزنید.^۱

لزوم تمرین برای خواندن نماز خوب در سنین جوانی

جوانها اگر از حالا عادت کنند به نماز خوب، وقتی به سنّ ماها رسیدند، نماز خوب خواندن برایشان دیگر مشکل نیست. در سنین ما آدمی که عادت نکرده باشد به نماز خوب، نماز خوب خواندن ممکن است، اما مشکل است. برای آنکه از جوانی عادت کرده به اینکه خوب نماز بخواند، یعنی نماز با توجّه - نماز خوب معنایش نماز با صدای خوش و قرائت خوب نیست؛ یعنی نماز با توجّه، با حضور قلب؛ قلبش در محضر پروردگار حاضر باشد؛ از دل و با دل حرف بزند - آن وقت این سجّته‌ی او میشود و دیگر برایش زحمت ندارد؛ تا آخر عمر همین جور خوب نماز میخواند.^۲

توصیه به جوانان برای انس با نماز و انجام نوافل

توصیه‌ی مؤکّد این جانب به همه بویژه جوانان آن است که خود را با نماز مأنوس و از آن بهره‌مند سازند؛ یعنی اینکه نماز را با توجّه به معنی و با احساس حضور در محضر پروردگار متعال (جلّت عظمت)، به جای آورند و این کار را با تمرین، بر خود هموار و آسان سازند و تا بتوانند نوافل، مخصوصاً نافله‌ی نمازهای صبح و مغرب را نیز ادا کنند.^۳

لَذَّتْ ذِکْرَ اللَّهِ وَ اِنْسَ بِالْخَدَا؛ مافوق همه‌ی لذّتها

در جامعه‌ی جوان کشور بیش از دیگران باید به نماز اهمّیت داد. جوان

۱. در دیدار صمیمانه و پرشور هزاران نفر از دانشجویان دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۶/۱

۲. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

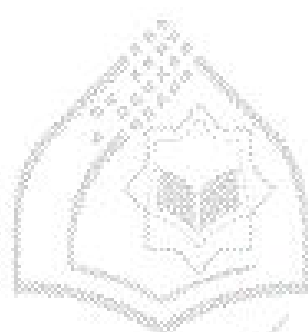
۳. پیام به مناسبت گردهمایی سالیانه‌ی نماز ۱۳۷۴/۶/۱۴

با نماز دلش روشن میشود، امید پیدا میکند، شادابی روحی پیدا میکند، بهجت پیدا میکند. این حالات بیشتر مال جوانها است، بیشتر مال موسم جوانی است؛ میتواند لذت ببرد.^۱

آن جوانی که با وجود داشتن دل شفاف و روح آماده، اصلاً لذت ذکر خدا را نچشیده، از نماز لذتی نمیبرد، از دعا، ذکر، تضرع، گریه و انس با پروردگار عالم و از پیوند با زیباترین حقایق وجود که وجود مقدس باری تعالی است، هیچ بهره‌ای نبرده است، این خیلی ناقص، محروم و قاصر است... اگر کسی لذت ذکر الهی و انس با خدا را چشید، بدانید که هیچ لذت دیگری به دهانش مزه نمیکند. همه‌ی این لذتهای زودگذر دنیا حتی عالی‌ترین لذات به نظرش بچگانه می‌آید. آن کسانی که اهل این چیزها هستند، آنها صادقند و به ما این چیزها را گفته‌اند. هرکسی هم ممکن است بالاخره در مدّت عمرش، کم و بیش توفیقی پیدا کند و لذت ذکر الهی را لحظه‌ای درک کند... نماز یک بار بر دوش انسان نیست؛ بلکه یک لطف و یک دریچه است. اگر خدا به من و شما اجازه نداده بود که با او حرف بزنیم، ما چه کار میکردیم؟ اگر انسان اجازه نداشت زبان به دعا و مناجات باز کند، چه میکرد؟ چطور میتواند روح تشنه و گرسنه‌ی خود را اشباع کند؟ چه چیزی غیر از انس با خدا میتواند این روح تشنه‌ی انسان را سیراب کند؟^۲

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

۲. در دیدار جمعی از اعضای تشکلهای دانشجویی ۱۳۷۵/۹/۱۵

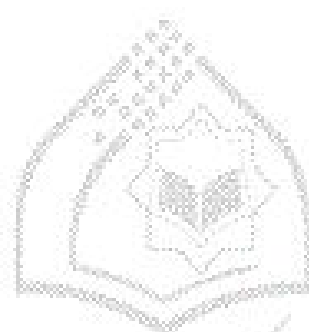


سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

فصل هشتم

انقطاع الی الله...

(سیره ی علمی برخی از معصومین علیهم السلام
و اولیای الهی در باره ی نماز)



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

وصف امیرالمؤمنین (علیه السلام) در محراب عبادت

ما اگر بخواهیم در میدانهای زندگی، آن راه مستقیم و صراطِ قویمی را که اسلام به ما نشان داده است با قدرت طی کنیم، احتیاج داریم که رابطه‌مان را با مبدأ اعلی، با حضرت باری تعالی محکم کنیم. این رابطه با دعا است، با نماز است، با اجتناب از گناه است. لذا شما ببینید امیرالمؤمنین - آن مرد شجاع استوارِ قوی‌ای که شجاعت او در میدان جنگ جزو مشهورات عالم است که هیچ‌کس در او اختلاف ندارد - او وقتی در محراب عبادت قرار می‌گیرد، «یتَمَلَّلُ تَمَلَّلُ السَّلَامِ»، مثل مارگزیده به خود می‌پیچد؛ اشک میریزد؛ گریه می‌کند؛ پیشانی به خاک می‌ساید. دعای کامل و این مناجات شعبانیه‌ای را که منسوب به امیرالمؤمنین است نگاه کنید؛ ببینید چه تضرّعی می‌کند این انسان بزرگ و والا در مقابل پروردگار! این برای ما درس است.^۱

جَدَّوَجَّهْدَ حضرت زین العابدین (علیه السلام) در نماز

طاووس^۲ می‌آید خدمت امام سجّاد عرض می‌کند که شما این قدر خود را اذیت می‌کنی و عبادت می‌کنی و نماز می‌خوانی، این چه کاری

۱. در دیدار اقدار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت علی (ع) ۱۳۸۷/۴/۲۶

۲. طاووس بن کیسان خولانی یمانی (متوفای ۱۰۵ ق)؛ مفسر، فقیه تابعی، قاری، حافظ و راوی

است شما می‌کنید؟ آخر شما که پسر پیغمبر هستید، مادرتان زهرا است، تو این قدر گریه کردن نیمه‌ی شب لازم نداری، این قدر دعا کردن نمی‌خواهی، این قدر عبادت و جهد و زحمت لازم نداری؛ به امام سجّاد این‌طوری می‌گوید، بعد که حرفهایش را می‌زند امام عصبی می‌شود - یعنی لحن کلام پیدا است که امام عصبی است، در روایت نیست که عصبی شده‌اند، اما لحن کلام این‌طور است - امام یک مرتبه در جواب او می‌گویند که: «دع عنی حدیث ابي وأُمّی و جدی»؛ بگذار کنار صحبت پدر و مادر و جدّم را. «الجنة لمن أطاع»؛ بهشت مال اطاعت‌کنندگان است.^۱

نماز و گریه‌های نیمه‌شب امام خمینی (رحمة الله علیه)

یک علت این‌که امام بزرگوار ما یک کلمه‌اش در این فضای عظیم عمومی کشور، در شدّت و محنت، در همه‌ی حالات اثر شگفت‌آوری می‌گذاشت، معنویت او بود، صفای باطن او بود، ارتباط و اتصال او به خدا بود، اشکهای نیمه‌شب او بود. فرزند امام - مرحوم حاج سیداحمد - همان وقت در زمان حیات امام به من گفت: نیمه‌شب که امام بلند می‌شود، از بس گریه می‌کند، این دستمالهای معمولی برای پاک کردن اشکش کفاف نمیدهد؛ مجبور است اشک چشمش را با حوله پاک کند؛ این قدر اشک میریزد. آن مرد پولادین، آن مردی که حوادث و لطماتی به سمت او سرازیر میشد که یک ملت را تکان میداد و او را تکان نمیداد، آن مردی که عظمت و هیمنه‌ی قدرتهای جهانی در نظر او هیچ و پوچ بود، آن مرد در مقابل عظمت الهی، در حال دعا و استغاثه، آن جور اشک میریخت.^۲

۱. مناقب آل ابی طالب (ع)، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۵۱

۲. هم‌زمان حسین (ع)، انتشارات انقلاب اسلامی، ص ۳۱۱

۳. در دیدار طلاب خارجی حوزه‌ی علمیه‌ی قم ۱۳۸۹/۸/۳

حاج احمد آقا فرزند عزیز حضرت امام میگفتند: پیش از ظهر روز آخر حیات امام (قدس سره)، ایشان روی تخت دائماً نماز میخواندند. مدتی گذشت، بعد پرسیدند: ظهر شده است؟ گفتم: بلی. آن وقت خواندن نماز ظهر و عصر با نوافلش را شروع کردند. بعد از اتمام نماز، مشغول ذکر گفتن شدند و تا لحظاتی که در حالت اغما به سر میبردند، مرتب پشت سرهم میگفتند: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر، سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر». این کار برای ما درس است. ما که رهبرمان را دوست داریم، باید به کارها و روحیات او توجه کنیم و از آن درس بگیریم.^۱

انس با معنویات و عبادات در دوران نوجوانی

من در دوره‌ی نوجوانی - یعنی همان دورانی که تازه از دبستان بیرون آمده و طلبه شده بودم - به دعا و توجه و توسل خیلی اهتمام می‌ورزیدم؛ اما این را که چه تصویری از خدا داشتم، الان نمیتوانم چیزی به یاد بیاورم که درباره‌ی خدا چگونه فکر میکردم؛ کما اینکه انسان درباره‌ی ذات مقدس پروردگار هم نباید خیلی فکر کند و راجع به ذات مقدس پروردگار، در فکر فرو برود.

وجود خدای متعال، یک وجود بدیهی و روشن و واضحی است که همه‌ی وجود یک انسان، به او گواهی میدهد؛ یعنی اگر انسان دچار وسوسه نشود و خودش را در وسوسه‌ها غرق نکند، ذهن انسان، دل و جان انسان به وجود خدا گواهی میدهد. واقعاً وجود خدا حتی به برهان و استدلال، احتیاج ندارد؛ اگرچه برهان و استدلال زیادی هم در مورد وجود پروردگار هست.

۱. در مراسم بیعت فرماندهان و اعضای کمیته‌های انقلاب اسلامی ۱۳۶۸/۳/۱۸

آنچه که آن وقت برای من مطرح بود و عملاً وجود داشت، این بود که اهل دعا و ذکر و دعاهای مأثور و اعمالی که وارد شده بود، بودم. مثلاً یادم است هنوز بالغ نبودم که اعمال روز عرفه را به جا آوردم. اعمال آن روز، طولانی هم هست - لابد آشنا هستید؛ خیلی از جوانان با آن اعمال آشنا هستند - چند ساعت طول میکشد. اعمال، از بعد از نماز ظهر و عصر شروع میشود و اگر انسان بخواهد به همه‌ی آن اعمال برسد، شاید تا نزدیک غروب روزهای نه چندان بلند به طول می انجامد.

آن وقت من یادم است که با مادرم - چون مادرم هم خیلی اهل دعا و توجه و اعمال مستحبی بود - میرفتیم یک گوشه‌ی حیاط که سایه بود - منزل ما حیاط کوچکی داشت - آنجا فرش پهن میکردیم - چون مستحب است که زیر آسمان باشد - هوا گرم بود؛ آن سالهایی که الان در ذهنم مانده، یا تابستان بود، یا شاید پاییز بود، روزها نسبتاً بلند بود. در آن سایه می نشستیم و ساعتهای متمادی، اعمال روز عرفه را انجام میدادیم. هم دعا داشت، هم ذکر و هم نماز. مادرم میخواند، من و بعضی از برادر و خواهرها هم بودند، میخواندیم. دوره‌ی جوانی و نوجوانی من این گونه بود؛ دوره‌ی انس با معنویات و با دعا و نیایش.

البته ما آن وقت از یک امتیاز برخوردار بودیم که اگر آن امتیاز، امروز در جوانی باشد، دعا و ذکر و نماز برای او شیرین خواهد بود و مطلقاً خسته کننده نخواهد شد؛ و آن توجه به معانی است. ببینید؛ هرکس که از نماز خسته میشود، یا معنای نماز را نمیداند، یا توجه نمیکند، و الا اگر کسی معنای نماز را بداند و به نماز هم توجه کند، امکان ندارد از نماز خسته شود؛ اصلاً امکان ندارد.^۱

۱. گفت و شنود صمیمانه با گروهی از جوانان و نوجوانان ۱۳۷۶/۱۱/۱۴

فارغ از همه‌ی عالم

مرحوم آقای قاضی میگوید من نماز خواندن را از آقا سید مرتضای کشمیری یاد گرفتم. شما ببینید معانی این کلمات چقدر عمیق است. ماها هم نماز میخوانیم و خیال هم میکنیم که نماز خوب میخوانیم. این مرد عارف بزرگی که سالها پیش پدرش در تبریز تربیت شده بود و پیش رفته بود، وقتی می‌آید نجف [و] ده سال پیش مرحوم آقا سید مرتضای کشمیری میماند، میگوید من نماز خواندن را از او یاد گرفتم. آن وقت شاگردهای مرحوم آقای حاج میرزا علی آقای قاضی نقل میکنند که ایشان با همه‌ی [گرفتاری] - خیلی گرفتار بوده در زندگی، عائله‌ی سنگین و فقر و مشکلات - وقتی وارد نماز میشد، از همه‌ی دنیا غافل میشد؛ یعنی آن چنان غرق در ذکر و خشوع و توسل در حال نماز بود که از همه‌ی عالم فارغ میشد. خب، این یک گذرگاه فوق‌العاده‌ای است؛ گذرگاه خاص‌الخاص است. برای ماها از این جهت حجت است که ما بفهمیم این هم هست؛ این مقامات، این حرکت، این سلوک، این خلوص در راه خدا هست.^۱

اگر دنیا و آخرت را میخواهی نماز شب بخوان!

از مرحوم آقای طباطبایی (رضوان الله علیه) - صاحب المیزان که ایشان جزو شاگردهای نزدیک و مخصوص مرحوم آقای حاج میرزا علی آقای قاضی معروف، [آن] عارف بزرگوار بودند و سالها پیش ایشان تلمذ کردند؛ از ایشان نقل شد، بنده خودم نشنیدم از ایشان، یک فرد ثقه‌ای^۲ نقل کرد از مرحوم آقای طباطبایی - که آن اوایل وقتی وارد نجف شدیم، خب، آقای قاضی را که نمی‌شناختند، دورادور یک قوم و خویشی‌ای داشتند، میدانستند که

۱. در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره‌ی بزرگداشت حضرت آیت الله سید علی قاضی (ره)

۱۳۹۱/۴/۲۶

۲. مورد اطمینان

شخصی هست با این نام، از نزدیک با ایشان آشنا نبودند؛ میگفتند یک روز در یک راهی که میرفتم، آقای قاضی من را دید، صدا کرد و گفت: «پسرم! اگر دنیا میخواهی، نماز شب بخوان؛ اگر آخرت میخواهی، نماز شب بخوان». این حرف مرحوم آقای قاضی است به آقای طباطبایی که خب الحمدلله خدای متعال خیر دنیا و آخرت را به این بزرگوار عنایت میکند. نماز شب را فراموش نکنید، از دست ندهید.^۱

نجوای نیمه شب میرزا جواد آقای ملکی تبریزی (رحمة الله علیه)

بندگان مؤمن و مخلصی که ما اسمهای اینها را شنیده ایم، حتی وقتی کارهای اینها را برای ما نقل میکنند، برای ما درست مفهوم نیست؛ اما واقعاً شگفت آور است؛ دو سه ساعت به اذان صبح بیدار شوند و شبهای ماه رمضان اشک بریزند. نقل میکنند مرحوم امیرزا جواد آقای ملکی وقتی بیدار میشد، سر حوض آب می نشست تا وضو بگیرد، به آب نگاه میکرد، دعا میخواند و گریه میکرد و تضرع میکرد؛ آب برمیداشت روی صورتش میریخت، گریه و تضرع میکرد؛ به آسمان نگاه میکرد، دعا میخواند، گریه و تضرع میکرد؛ تا وقتی که بیاید سر سجاده بایستد و آن نماز شب و آن تهجد پُرفیض و پُرحال و پُراطوت را با عشق و شور انجام بدهد.^۲

انقطاع الی الله ...

[در اولین روز تبعید به ایرانشهر] یکه و تنها از [مرکز پلیس] بیرون آمدم و سراغ مسجدی را گرفتم. مرا به «مسجد آل الرسول» راهنمایی کردند و مطلع شدم که این تنها مسجد شیعیان شهر است. البته مساجد دیگری هم هست که به برادران اهل سنت تعلق دارد. مسجدی که به آن وارد شدم،

۱. در ابتدای درس خارج فقه ۱۳۹۷/۱۱/۲

۲. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۷/۱۷

در نهایت زیبایی و شکوه بود؛ با قالی‌های نفیس و گران بها مفروش شده و در حیاط آن، درختان بلند و جوی آب شیرینی بود نظیر آب تهران که به گوارایی و شیرینی مشهور است. احساس نوعی شادی و خوشی به من دست داد؛ زیرا هوای شهر گرم و لطیف بود و با طبیعت بدن من که سرمای سخت زمستان را تحمل نمیکند، سازگاری داشت. منظره‌ی شهر هم باشکوه و زیبا بود. لباسها را از تن درآوردم و در گوشه‌ای گذاشتم، سپس وضو گرفتم و به نماز ایستادم. حالت انقطاعی به من دست داد که هنوز هم شیرینی آن در مذاقم باقی است؛ چون در آن ساعات، از خانواده و فرزندان و دوستان منقطع شده بودم و با همه‌ی وجود رو به سوی خداوند متعال داشتم. چنین احساسی آن قدر لذت دارد که بیش از آن به تصوّر نمی‌آید.^۱

